
سبک زندگی دختران مجرد مستقل

تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۱

تاریخ تأیید: ۹۴/۶/۶

ابوتراب طالبی

دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی - Ah.tatalebi@yahoo.com

اکرم فتوت

کارشناس ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی از دانشگاه علامه طباطبایی - Akfo_1400_41@yahoo.com

چکیده

هدف این مقاله، بررسی سبک زندگی دختران مجرد مستقل است. در این پژوهش، ابتدا سبک زندگی دختران مجرد با بهره‌گیری از آرای نظریه پردازانی چون تورشتاین وبلن، جورج زیمل، ماکس وبر، آدلر و پیر بوردیو بررسی و سپس مطالعه تجربی با رویکرد تلفیقی انجام شده است. این پژوهش به دوروش کمی و کیفی صورت گرفته جامعه آماری آن، دختران ۱۹-۴۵ ساله ساکن تهران هستند. دختران ساکن در پانسیون‌های خصوصی - به علت یکسانی شرایط محل زندگی - با پرسش‌نامه و دخترانی که در آپارتمان و منازل شخصی زندگی می‌کردند؛ با بهره‌گیری از نتایج مصاحبه حضوری، مطالعه و بررسی شده‌اند.

دلایل و زمینه‌های زندگی مستقل از خانواده دختران مجرد به چهار دسته تقسیم شده‌اند. دسته نخست دخترانی‌اند که به خواست و میل شخص خود - بدون هیچ اجبار خاصی - به زندگی مستقل روی آورده‌اند. دسته دوم، دخترانی هستند که اوضاع نامناسب محیط خانوادگی و اجتماعی مانند اختلافات خانوادگی یا مخالفت خانواده و اجتماع اطراف با برخی خواسته‌هایشان، آنان را به زندگی مستقل علاقه‌مند کرده است. دسته سوم، دخترانی را در بر می‌گیرد که به سبب کمبود امکان اشتغال در شهر محل زندگی خود، مهاجرت کرده و به زندگی مستقل روی آورده‌اند. چهارمین دسته، از آن دخترانی است که اجبار اشتغال و خدمت در شهر دیگر از سوی سازمان دولتی، آنان را به این نوع زندگی وادار کرده است. در این مقاله، چند و چون سبک زندگی این دختران بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی:

سبک زندگی، زندگی مستقل، پانسیون، خانه مجردی، دختر مستقل، هنجار جنسی.

بیان مسئله

در روزگار کنونی در کشورهای در حال توسعه‌ای همچون ایران به‌ویژه در کلان‌شهرها شاهد پدیده نوظهور و رو به گسترش زندگی مستقل از خانواده در میان جوانان هستیم. بر اساس اعلام سازمان ملی جوانان (وزارت ورزش و جوانان کنونی)، آمار روی آوردن جوانان به زندگی مجردی در شش کلان‌شهر تهران، شیراز، مشهد، اصفهان، تبریز و اهواز در حال افزایشی چشمگیر است. نکته درخور بررسی این است که بنا به گفته این سازمان، سی درصد دختران مجرد نیز به این گونه از زندگی روی آورده‌اند. اوضاعی که افراد، آن را به دلایل فراوان برآمده از وضعیت موجود، بر می‌گزینند. برخی معتقدند این پدیده می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات و آسیب‌های اجتماعی گوناگونی شود برخی دیگر به آثار مثبت آن مانند افزایش اتکا به نفس افراد در دوران جوانی اشاره می‌کنند.

عوامل بسیاری در بروز این پدیده تأثیر دارند؛ برای نمونه بالا رفتن سن ازدواج، مجرد قطعی، افزایش امکان پیشرفت تحصیلی و اشتغال زنان امروز که از زمینه‌های توسعه و مدرن شدن هر جامعه‌ای است، سبب شده آنان به استقلال مالی دست یابند که زمینه‌ساز استقلال‌طلبی در زمینه‌های دیگر است. شماری از این دختران، نخستین گام استقلال‌طلبی را رها شدن از «سلطه خانواده» با انتخاب خانه مستقل می‌دانند.

کمبود امکانات زندگی و فضای کافی و مناسب برای جوانان و نداشتن حریم خصوصی نیز در بروز این مسئله، بی‌تأثیر نیست. تجربه نشان می‌دهد هر چه فضا به نسبت افراد، محدودتر باشد، به همان نسبت برخوردهای تنش‌زا افزایش می‌یابد (با فرض ثبات عوامل دیگر). گاهی فضای مناسب بدون نظارت و دخالت وجود دارد؛ ولی وجود اختلافات خانوادگی عرصه را بر جوانان تنگ کرده است. در بسیاری از موارد نیز کمبود امکانات دلخواه جوانان، مانند اشتغال و داشتن درآمد، ساکنان شهرهای کوچک را روانه شهرهای بزرگی همچون تهران می‌کند. دانشجویانی که پس از پایان تحصیلات در شهر محل تحصیل خود ماندگار شده‌اند، گواه این امر هستند.

پرسش اساسی اینجاست که این دختران که ادامه زندگی به شکل مستقل را

برگزیده‌اند، در این وضعیت، چگونه به سر می‌برند. در اوضاعی که آزادی بیشتری در گزینش‌های خود دارند، در برخورد با موقعیت‌های گوناگون، به چه انتخاب‌هایی دست می‌زنند و چه رفتارهایی از خود نشان می‌دهند. این پژوهش در این راستا می‌کوشد تا تصویری روشن از سبک زندگی دخترانی ارائه دهد که با انگیزه‌های متفاوت، به استقلال از خانواده تمایل دارند.

در گام نخست می‌خواهیم بدانیم این دختران با چه انگیزه‌هایی خواهان مستقل شدن از خانواده هستند و در زندگی روزمره خود چه سبک زندگی را برگزیده‌اند؛ یعنی آن جنبه‌هایی از سبک زندگی این دختران که در اوضاع زندگی با خانواده می‌توانسته تحت تأثیر خانواده و اطرافیان شکل بگیرد، حال در شرایط جدید و مستقل از خانواده به چه شکلی صورت می‌پذیرد؟ جنبه‌های مثبت و منفی این گونه زندگی برای آنها چیست؟ این نوع از زندگی، چه محدودیت‌ها و فرصت‌هایی در اختیار این دختران قرار می‌دهد؟

پیشینه تجربی پژوهش

پژوهش‌هایی در حیطه سبک زندگی جوانان انجام گرفته که از آن جمله سمیه سادات شفیعی (۱۳۸۹) که در رساله دکتری خود با عنوان «سیاست‌های فرهنگی دولت و الگوهای سبک زندگی دختران» الگوهای سبک زندگی دختران را در ارتباط متقابل با قدرت و اعمال آن در چارچوب سیاست‌های فرهنگی دولت مطالعه کرده و به دنبال بررسی اصول و مبانی سیاست فرهنگی دولت درباره سبک زندگی دختران، ارائه گونه‌شناسی از سبک‌های زندگی دختران، بررسی وجود رابطه میان الگوهای سبک زندگی دختران با سیاست فرهنگی دولت در حوزه سبک زندگی، شناخت باور دختران از سیاست‌های فرهنگی دولت و بررسی رابطه میان باور دختران از سیاست‌های فرهنگی دولت و انتخاب سبک زندگی آنان در زندگی روزمره است.

علی اکبر مجدی (۱۳۸۹) با بررسی سبک زندگی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله ساکن شهر مشهد، در شناخت سبک‌های زندگی موجود در میان جوانان مشهدی، ارائه یک گروه‌بندی از سبک‌های زندگی کنونی جوانان، شناخت رابطه سبک‌های زندگی جوانان با متغیرهای زمینه‌ای و شناخت رابطه سبک‌های زندگی جوانان با متغیر ترکیب سرمایه فرهنگی و اقتصادی به عنوان شاخص طبقه اجتماعی می‌کوشد.

رضوی زاده (۱۳۸۹) در بررسی تأثیر مصرف رسانه‌ها بر سبک زندگی ساکنان تهران

بیان می‌کند بیشتر پژوهش‌ها درباره سبک زندگی در خلال دهه گذشته، بر سبک‌های زندگی پرهزینه و پرمصرف تأکید کرده‌اند؛ یعنی بر سبک‌های زندگی مردمی که از سرمایه اقتصادی هنگفتی با میزان معینی از سرمایه فرهنگی برخوردار بوده‌اند.

میچل (۱۹۸۱م) پژوهشی درباره ارزش‌ها و سبک زندگی انجام داده و در آن، افراد بزرگ‌سال آمریکایی را بر اساس سبک زندگی، به گونه‌های متعدد تقسیم کرده است. هر یک از این گونه‌ها بیانگر رویکرد متفاوتی به زندگی هستند که از طریق ربط دادن نیازهای روان‌شناختی مردم به رفتارهای آنان به دست آمده است. چهار دسته کلی مدل میچل عبارت‌اند از:

نیازمندان: کسانی که سبک زندگی آنان به دلیل محدودیت شدید منابع مالی، بیشتر تابع نیاز است تا انتخاب.

افرادی که از بیرون هدایت می‌شوند: کسانی که در جریان زندگی خود به پیام‌ها و اشاره‌های واقعی یا خیالی دیگران واکنش نشان می‌دهند.

افرادی که از درون هدایت می‌شوند: کسانی که بر اساس نیازها و تمایلات درونی خود زندگی می‌کنند.

اهل اعتدال: کسانی که رویکردهای هدایت از درون به زندگی و هدایت از بیرون را با هم سازگار کرده‌اند.

در تمام دنیا بیشترین مطالعات سبک زندگی، به بررسی مصرف فرهنگی اختصاص داشته است. برخی از محورهای مطالعاتی مرتبط با مصرف فرهنگی در ایران عبارت‌اند از: مطالعه میزان انواع مختلف مصرف فرهنگی؛ بررسی محتوای مصرف فرهنگی؛ بررسی الگوی طبقاتی مصرف فرهنگی؛ مطالعه میزان یکپارچگی یا درآمیختگی الگوهای مصرف فرهنگی و تبیین علت‌های دگرگونی سبک‌های مصرف؛ بررسی تطبیقی الگوهای مصرف فرهنگی در ایران و کشورهای دیگر؛ پژوهش درباره رابطه مصرف فرهنگی و مقولاتی چون مشارکت سیاسی، دانش فرهنگی، موفقیت تحصیلی فرزندان خانواده‌ها و رعایت اصول شهروندی؛ مصرف فرهنگی و اقتصاد فرهنگ؛ سبک زندگی فرهنگی و رفتارهای انحرافی (رضوی‌زاده ۱۳۸۶، ۱۷۸)

«زن و قدرت»، عنوان پژوهش خانم پردیس قندهاری (۱۳۸۲) است که به صورت کیفی با در نظر گرفتن اینکه قدرت زنان چه میزان بر نحوه و سبک زندگی آنان تأثیرگذار

بوده، زنان سه نسل را بررسی کرده است. او در این پژوهش، تغییراتی را که در سبک زندگی این افراد در سه نسل روی داده، به تصویر کشیده است.

«سبک زندگی و هویت اجتماعی، مصرف و انتخاب‌های ذوقی به عنوان شالوده تمایز و تشابه اجتماعی در دوره اخیر مدرنیته» عنوان پایان‌نامه حسن چاوشیان تبریزی (۱۳۸۱) است. هدف این رساله، تشخیص سبک‌های زندگی در الگوی کنش و گروه‌بندی اجتماعی است که با بهره‌گیری از روش پیمایش و ساخت شاخص «SES» و به کارگیری ابزار پرسش‌نامه، رابطه ساکنان طبقات گوناگون شهر تهران با سبک زندگی‌شان سنجیده شده است.

نویسنده معتقد است هویت فردی و جمعی اعضای یک جامعه مدرن کلان‌شهری با موقعیت یا ویژگی‌های ساختاری آنان تبیین نمی‌شود؛ بلکه تا حد بسیاری به کنش مصرف و انتخاب‌های مصرفی وابسته است؛ یعنی ماهیتی فرهنگی دارد. همچنین او معتقد است سبک زندگی در پنج محور ذوق و سلیقه هنری، نظارت و مدیریت بدن، پوشاک، اولویت‌های هزینه‌ای و ترجیحات و نیز سبک زندگی خانوادگی، برخی از ویژگی‌های مدرنیته را از پایه و اساس تضعیف می‌کند. از آن مهم‌تر، سبک زندگی در راستای تار و مبهم کردن و تغییر شکل تمایزهای حوزه‌های خصوصی و عمومی و در نتیجه ساختن و شکل دادن به ادراکات جدیدی از روابط میان صورت‌های هویت فردی و جمعی عمل می‌کند.

مهدوی کنی (۱۳۸۷) در رساله دکتری خود به نام «دین و سبک زندگی» در آغاز به بحث مفصلی درباره مفاهیم و نظریات ارائه شده در باب سبک زندگی پرداخته که به نظر نویسنده، اهمیت اثر ایشان را در این بخش در ارائه دسته‌بندی‌های دقیق و نکته‌بینانه می‌توان دید. سپس به بررسی رابطه دین و سبک زندگی با ریشه‌یابی تاریخی در مجالس مذهبی پرداخته و در پایان، رابطه آموزه‌های دینی و سبک زندگی شرکت‌کنندگان در مراسم مذهبی را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده است.

بیژن خواجه‌نوری و همکارانش (۱۳۸۹) نیز نشان داده‌اند که تمامی سبک‌های زندگی با مدیریت بر ظاهر و همچنین تغییر شکل اندام رابطه دارند. تحلیل آنان نشان می‌دهد سبک‌های مدرن ورزشی - موسیقی، فراغتی، مشارکت‌های جدید، مذهبی و موسیقی سنتی، روی هم توانسته‌اند مدیریت زنان بر ظاهرشان را تبیین کنند و متغیرهای سبک مشارکتی جدید، ورزشی - موسیقی جدید، موسیقی قدیمی و فراغتی، تغییرات مدیریت تغییر شکل اندام زنان را تبیین می‌کند.

مبانی نظری و چارچوب مفهومی

زندگی مجردی مستقل از خانه دختران را می‌توان گونه‌ای سبک زندگی و بر اساس تئوری‌های مربوط به آن تحلیل کرد. درباره موضوع سبک زندگی، دیدگاه‌ها و تعریف‌های بسیاری موجود است. در این پژوهش برای دستیابی به چارچوب مفهومی مناسب، مهم‌ترین دیدگاه‌ها در خصوص سبک زندگی را به ترتیب تاریخ ظهور مرور می‌کنیم. سپس چارچوب مفهومی را در جمع‌بندی نگاره‌های یادشده می‌آوریم. وبلن (۱۸۵۷ - ۱۹۲۹م) از پیشگامان عرصه تحلیل ریشه‌های اجتماعی - روان‌شناختی، انگیزش‌های رفتاری در قالب سبک زندگی (سبک رقابت‌آمیز) و کارکردهای پنهان آن مانند مصرف چشمگیر و خودنمایانه کالاهای تجملی به شمار می‌رود. بنابراین مرور ادبیات «سبک زندگی» را با او آغاز کنیم.

مفهوم سبک زندگی در نظر وبلن با به دست آوردن مال و ثروت، نوع مصرف، نوع کار، شهرنشینی و فراغت تعریف می‌شود. به دست آوردن مال و ثروت برای طبقه مرفه و تن آسای، قدرت بیشتری به همراه آورد. به باور وی، ابتدا «فراغت خودنمایانه» که با اشتغال فرد به کارهای غیرتولیدی نمایش داده می‌شد، نشان‌دهنده ثروت فرد بود. کار غیرتولیدی برای فراغت و تفریح انجام می‌شود و کار مولد به طبقات پایین‌تر اختصاص دارد.

از نگاه وبلن، فراغت خودنمایانه در اجتماعات کوچک کاربرد داشت؛ ولی در مرحله شهرنشینی، «مصرف خودنمایانه» در خدمت نشان دادن ثروت قرار گرفت. کارکرد دیگر مصرف خودنمایانه، ایجاد فاصله میان فرد و ریشه‌های اوست (فاضلی ۱۳۸۲، ۲۱). وبلن می‌پنداشت طبقه مرفه بدین وسیله به اقتدار هنجاری دست می‌یابد و خود را به الگوی جامعه تبدیل می‌کند. رفتار رقابت‌آمیز در جامعه، برآمده از همین مسئله است. گروه‌های فرودست می‌کوشند خود را با الگوهای هنجاری طبقه مرفه تنظیم کنند و بدین ترتیب رقابت اجتماعی، مبنایی اجتماعی می‌یابد و بر خلاف پندار اقتصاددانان کلاسیک، چنین رقابتی در نظریه وبلن با اتکا بر میل انسان به ارضای نیازهای طبیعی تبیین نمی‌شود (فاضلی ۱۳۸۲، ۲۱)؛ بلکه بر اساس آرزوی دستیابی به منزلت، می‌توان آن را توضیح داد.

زیمل (۱۸۵۸ - ۱۹۱۸م) نیز معتقد است سبک زندگی، کل به هم پیوسته‌ای از صورت‌هایی است که فرد یا افراد یک اجتماع - بر حسب انگیزه‌های درونی (سلیقه خودشان) و با تلاش برای ایجاد توازن میان شخصیت ذهنی و زیست محیط عینی و انسانی خود - برای زندگی خودشان بر می‌گزینند. او معتقد است چارچوبی که فرهنگ اجتماعی برای انگیزش‌های فردی فراهم می‌کند و کنش در محدوده آن بروز می‌کند، شیوه زندگی

است. وی مجموعه‌ای از روش‌های زندگی که زندگی را یک کل می‌داند سبک زندگی می‌نامد (مهدوی کنی ۱۳۸۷، ۹۹).

تحلیل پدیده‌های مصرف و مد، جزئی از دل‌مشغولی بزرگ‌تر زیمل در تحلیل ناهمسانی‌های فرهنگ مدرن است. نظریه مصرف زیمل بر حول مفهوم «شهر» و پیامدهای مترتب بر شهرنشینی سامان یافته است. وی در اهمیت دادن به مفهوم شهر تا بدانجا پیش می‌رود که می‌نویسد «شهر مدرن، یک هویت فضایی با نتایج جامعه‌شناختی نیست؛ بلکه هویتی جامعه‌شناختی است که به نحو فضایی شکل گرفته است» (باکاک ۱۳۸۱، ۲۴). در نظر زیمل، آزاد شدن فرد از تمامی قید و بندهایی که جامعه سنتی در قالب همبستگی‌های گروهی بر آزادی فرد می‌نهد، نویدبخش بروز فردیت است. شیوه خاص مصرف کردن و سبک زندگی، راهی برای بیان خود در رابطه با دیگران و انبوه جمعیت حاضر در کلان‌شهر است (Cockerham 1995, 323). زیمل دریافته بود که بورژوازی برلین در رویارویی با گمنامی حاصل از زندگی در شهر، برای حفظ هویت خویش از مصرف بهره می‌گیرد (فاضلی ۱۳۸۲، ۲۷).

مبحث سبک زندگی در جامعه‌شناسی ماکس وبر در زمینه موضوع منزلت و گروه‌های منزلتی و به عنوان عاملی برای انسجام گروهی آنها مفهوم می‌یابد. وی وقتی می‌کوشد دیدگاه خود در باب تأثیر معنا بر رفتار اجتماعی را نشان دهد، پی‌درپی از این اصطلاح بهره می‌گیرد. وبر در پاره‌ای از آثار خود مانند اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، جامعه‌شناسی دین و ... می‌کوشد پیوندی میان مفهوم سبک زندگی و چارچوب تحلیلی پیچیده سه‌عنصری خود، یعنی رفتارها، تمایلات و منافع پدید آورد (مهدوی کنی ۱۳۸۷، ۱۱۳).

هندری می‌گوید وبر سبک زندگی را از جنس رفتار می‌داند که تمایلات، آن راه‌هدایت می‌کند و فرصت‌های زندگی، بستر بروز آن را فراهم می‌کند (هندری و دیگران ۱۳۸۳، ۲۳۱ - ۲۳۲). دنیس رانگ با توجه به دیدگاه‌های وبر می‌گوید: «منظور وبر از سبک زندگی، ارزش‌ها و رسم‌های مشترکی است که به گروه، احساس هویت جمعی می‌بخشد و نه آن‌طور که در حال حاضر، معمولاً این اصطلاح به کار می‌رود؛ یعنی به منزله یک روش یا راه زندگی، که به سبب سازگاری‌اش با نیازهای روان‌شناختی افراد، آزادانه انتخاب می‌شود» (توسلی، ۱۳۷۳، ۶۲). کاکرهام که در جامعه‌شناسی پزشکی خود به بررسی سبک‌های زندگی پرداخته، درباره آرای وبر معتقد است:

وبر شرایط اقتصادی اجتماعی لازم برای یک شیوه زندگی ویژه را از نظر دور نداشت. وبر به

طور عامدانه‌ای از سه واژه متفاوت برای بیان دیدگاه شیوه زندگی بهره برد: «Stilisierung des Leben» (استایل‌سازی زندگی)، «Lebensführung» (اداره کردن زندگی) و «Lebenschancen» (شانس‌های زندگی). دو عنصر «Stilisierung des Leben» و «Lebensführung» به انتخاب‌هایی اشاره می‌کند که افراد در روش‌های زندگی می‌خواهند بپذیرند؛ اما پتانسیل لازم برای تحقق این انتخاب‌ها تحت تأثیر «Lebenschancen» آنها قرار دارد. رالف داروندورف اشاره می‌کند که وبر درباره منظور او از شانس‌های زندگی مردد است؛ ولی بهترین برداشت او درباره منظور وبر، این است که شانس‌های زندگی، احتمال رضایت داشتن از علایق، خواسته‌ها و نیازهاست؛ بنابراین مفهوم شانس‌های زندگی از نگاه وبر، به احتمال به دست آوردن یک شیوه زندگی خاص اشاره دارد که بدین معناست که شخص باید دارای منابع مالی، وضعیت، حقوق و روابط اجتماعی پشتیبان روش زندگی منتخب باشد. شانس‌های زندگی یک نفر را وضعیت اجتماعی آن فرد می‌سازد (cockerham 1995, 91 - 93)

بندیکس معتقد است شانس‌های زندگی که شرکت در یک روش زندگی سالم را تشویق می‌کنند، میان گروه‌های اقتصادی اجتماعی متوسط و بالا که بهترین منابع را برای حمایت از انتخاب‌های روش زندگی‌شان دارند، بسیار بیشتر است. با وجود این، سخن وبر این بود که شیوه‌های زندگی به طور پیاپی، فراتر از گروه‌هایی که شیوه‌های زندگی درون آنها ایجاد می‌شود، گسترش یابد (cockerham 1995, 91 - 93).

دیدگاه آلفرد آدلر، روان‌شناس آلمانی، درباره سبک زندگی از نظر تأکید بر عاملیت و کنشگری، به رویکرد وبر نزدیک است (اگرچه بیش از وبر بر جنبه‌های ذهنی و فردی تأکید می‌کند). او سبک زندگی را یک کلیت بی‌همتا و فردی از زندگی می‌داند که همه فرایندهای عمومی زندگی ذیل آن قرار دارند (آدلر ۱۹۵۶، ۱۹۱). از نگاه آدلر، سبک زندگی، طرح و دریافتی اجمالی از جهان است. فرایندی در حال گذار و یک راه است؛ راه یکتا و فردی زندگی و دستیابی به هدف و خلاقیتی حاصل از کنار آمدن با محیط و محدودیت‌های آن (ر.ک: دادستان ۱۳۷۶ / محفوظی و دیگران ۱۳۷۸ به نقل از مهدوی کنی، ۱۳۸۶).

جامعه در نگاه بوردیو، فضای اجتماعی چندبعدی مرکب از میدان‌های مختلف است. میدان‌های مختلف نیز عادت‌واره‌ها و سبک‌های متفاوتی پدید می‌آورند. دیدگاه کلی بوردیو درباره سبک زندگی و مصرف، با این سخن از کتاب تمایز نمایان است که «اقتصاد جدید، طالب دنیای اجتماعی‌ای است که در آن، مردم به همان اندازه که بر اساس ظرفیتشان در تولید، ارزیابی می‌شوند، بر حسب ظرفیتشان در مصرف نیز ارزیابی خواهند شد» و «... اقتصاد نوین، اخلاق زاهدانه تولید و انباشت را ... به سود اخلاق لذت‌جویانه

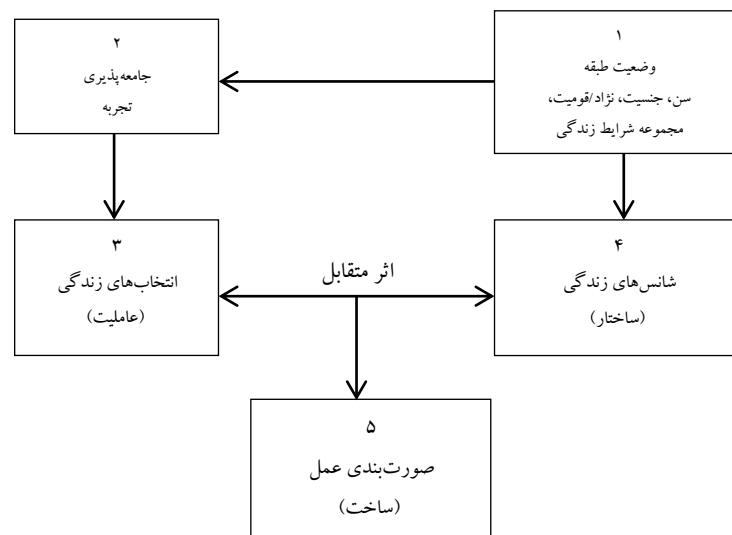
مصرف نفی می کند» (Bourdieu 1984, 310) وی مصرف را اصلی ترین پدیده دنیای اجتماعی مدرن می دانست و آن را به عنوان تغییری مستقل و نه فقط وابسته به عوامل اقتصادی، تحلیل می کرد (ibid, 43).

بورديو دیدگاهی منسجم درباره شکل گیری سبک های زندگی ارائه کرده است. بر پایه مدلی که وی ارائه داده، وضعیت عینی زندگی و موقعیت فرد در ساختار اجتماعی، به پدید آمدن منش خاص می انجامد. منش، پدید آورنده دو دسته نظام است: نظامی برای طبقه بندی اعمال و نظامی برای ادراکات و شناخت ها (قریحه ها). نتیجه نهایی تعامل این دو نظام، سبک زندگی است. سبک زندگی، همان اعمال و کارهایی است که به شیوه ای خاص طبقه بندی شده و حاصل ادراکات خاصی هستند. سبک زندگی، تجسم یافته ترجیحات افراد است که به صورت عمل درآمده اند و می توان آنها را مشاهده کرد. الگویی ناگهانی نیست و ماهیت طبقاتی دارد. به نظر بورديو، الگوهای مصرف، اصلی ترین بروز سبک های زندگی هستند (فاضلی ۱۳۸۲، ۴۵).

کاکرهام با بهره گیری از آرای بورديو و وبر به ارائه الگویی از سبک زندگی پرداخته که در شکل ۱ مشاهده می شود. در این مدل، وضعیت طبقاتی و متغیرهایی همچون جنسیت، نژاد یا قومیت و اوضاع زندگی فرد بر وضعیت زندگی فرد که ساختار زندگی او را می سازد، تأثیر گذار است. شیوه جامعه پذیری و تجربه های فردی نیز بر انتخاب های او اثر گذار است.

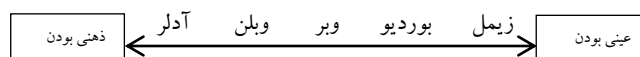
جمع بندی کاکرهام از الگوی تحلیل سبک زندگی در این شکل ترسیم شده است

شکل ۱: نظریه سبک های زندگی (Cockerham 2005, 57).



با توجه به آنچه گذشت می‌توان آرای صاحب‌نظرانی چون زیمل، بوردیو، وبر، ویلن و آدلر را بر روی دو سر طیف که در یک سر آن، ابعاد ذهنی و در سر دیگر آن، ابعاد عینی سبک زندگی قرار دارد، در نظر گرفت. بر اساس میزان توجه به جنبه‌های عینی و ذهنی، چنان که در شکل ۲ می‌توان مشاهده کرد، عینی‌ترین آرا، مربوط به زیمل، سپس بوردیو و در سر دیگر طیف، ذهنی‌ترین آرا، متعلق به آدلر، سپس ویلن و پس از او وبر (ر.ک: مهدوی کنی، ۱۳۸۶) است. وبر از کسانی است که هم به عینی بودن و هم به ذهنی بودن سبک زندگی باور داشته است؛ بنابراین او در نقطه میانی طیف قرار می‌گیرد.

شکل ۲: جایگاه دیدگاه‌های موجود بر مبنای میزان پرداختن به جنبه‌های عینی تا ذهنی



فدرستون در این راستا می‌گوید سبک زندگی به خانه و اثاثیه محدود نمی‌شود و تمام چیزها همچون الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی، نحوه غذا خوردن و لباس پوشیدن را در بر می‌گیرد و نگرش‌ها، ارزش‌ها و جهان‌بینی فرد و گروه وابسته به آن را منعکس می‌کند (Featherston 1991, 198 - 201).

چارچوب مفهومی

نظریه‌های سبک زندگی از حیث تأکید بر وجوه عینی / ذهنی مؤلفه‌های آن و نیز از نظر اهمیت دادن به عاملیت یا جبر اجتماعی متفاوت‌اند. با این حال می‌توان با بهره‌گیری از نظریه سبک زندگی برای تبیین زندگی مستقل از خانواده دختران میان مباحثات مربوط به ساخت و عاملیت و جنبه‌های ذهنی و عینی، پلی ایجاد کرد. با سبک زندگی، تعامل جوانان با اوضاع ساختاری اجتماعی، ممکن می‌شود و انطباق با ساختار یا دگرگونی آن، نتیجه همین سبک‌های زندگی است. جوانان محدودیت‌های اجتماعی را تجربه می‌کنند و در عین حال از آزادی عمل نیز برخوردارند (ذکایی، ۱۳۹۱، ۱۰۴). این واقعیت در مفهوم سبک زندگی به خوبی متجلی شده است.

بر این اساس ما در این پژوهش، جنبه‌های عینی سبک زندگی همچون شیوه تغذیه، مدیریت بدن و خودآرایی (نوع پوشش و آرایش و پیروی از مد)، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و نوع روابط، رفتارهای جنسی و بهداشتی و مذهبی و نیز جنبه‌های ذهنی سبک زندگی، همچون نگرش، اعتقادات دینی و ارزش را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

همچنین با توجه به تأثیر عوامل اجتماعی در انتخاب شیوه زندگی در مقاله، تأثیر عواملی

چون پایگاه اقتصادی و اجتماعی، خانواده فرد، سن و منطقه‌ای که به آن مهاجرت شده را که مجموع آنها شرایط زندگی نامیده می‌شوند و فرد در آن رشد یافته، جامعه‌پذیر شده و تجربه اندوخته و نیز پایگاه اقتصادی و اجتماعی خود فرد و میزان اعتقادات دینی که از عوامل فردی به شمار می‌رود را بر گرایش به زندگی مستقل، بررسی خواهیم کرد تا دیدگاه‌های بورديو و وبر را بیازماییم که معتقد بودند مجموعه شرایط زندگی فرد، عمل او را صورت می‌دهد.

روش پژوهش

با توجه به پیچیدگی موضوع بررسی و ابعاد گسترده آن، ما در این تحقیق از رویکرد مطالعه تلفیقی (دو روش کمی و کیفی) برای بررسی سبک زندگی دختران مجرد مستقل بهره برده‌ایم. برای سنجش سبک زندگی در این پژوهش، از معرف‌های شیوه تغذیه، مدیریت بدن و توجه به ظاهر، آرایش، آراستن مو و ابرو، حفظ تناسب اندام، چگونگی گذران اوقات فراغت، دستکاری و تغییر شکل اندام، وضعیت دینداری، چگونگی ارتباط با خانواده، داشتن ارتباط با جنس مخالف و نیز نگرش به رابطه با جنس مخالف پیش از ازدواج استفاده شده است. برای اعتبارسنجی، از اعتبار صوری، یعنی تأیید اهل فن استفاده شد. همچنین پایایی سنجش با بهره‌گیری از آلفای کرونباخ بررسی شد که همه ضرایب، بالای ۰/۷ بوده است؛ برای نمونه ۰/۸۷ برای دینداری و ۰/۸۹ برای نگرش به رابطه جنسی به دست آمد.

جامعه آماری در بخش کمی این پژوهش، دختران مجرد و مستقل ۱۹ تا ۴۵ ساله ساکن در پانسیون‌های دخترانه در شهر تهران هستند. گردآوری اطلاعات آماری دقیق درباره دختران مستقل ساکن در خوابگاه‌ها و پانسیون‌ها - به دلیل اینکه بیشتر متصدیان این امر، آمار یکپارچه‌ای از این افراد در دست ندارند - کار تقریباً ناممکنی است؛ از همین رو و به دلیل در دسترس نبودن کامل جامعه آماری مورد نظر، نمونه‌گیری به شیوه در دسترس بودن را برگزیدیم و یکصد پرسش‌نامه را در دوازده پانسیون که دسترسی به آنها امکان‌پذیر بود، تکمیل کردیم.

جامعه آماری ما در بخش بررسی‌های کیفی، دختران ۲۰ تا ۴۰ ساله‌ای هستند که در خانه‌های مجردی شخصی زندگی می‌کنند. گزینش این افراد به صورت هدفمند و با معیارهای سن، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و خانوادگی، سطح تحصیلات فرد، درآمد و شغل صورت گرفته است. بدیهی است با توجه به محدودیت‌ها و هدف پژوهش، یافته‌های آن را می‌توان به جامعه مورد تحقیق تعمیم داد. تعمیم یافته‌ها به دختران دیگر، نیازمند مطالعات گسترده‌تری است.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیتی جامعه مورد مطالعه: در این پژوهش به منظور جلوگیری از دوباره گویی، یافته‌های کمی و کیفی را در کنار یکدیگر توصیف و مقایسه کردیم. بر اساس یافته‌های پیمایش، سن پاسخ‌گویان بین ۱۹ تا ۴۵ سال است. سن نما که بیشترین شمار پاسخ‌گویان در آن قرار دارند، ۲۵ سال است. ۱۶/۷ درصد پاسخ‌گویان پدر و ۶ درصد مادر ندارند و به طور میانگین، پاسخ‌گویان دارای ۳ خواهر و برادر هستند. میانگین مدت زمان استقلال پاسخ‌گویان ۲/۶ سال است و بیشترین درصد (۴۶/۹ درصد) ۱ تا ۲ سال است که مستقل زندگی می‌کنند. خانواده‌های بیشترین درصد فراوانی پاسخ‌گویان (۳۰/۴ درصد) در شهرهای شمالی کشور زندگی می‌کنند و کمترین درصد فراوانی (۱/۴ درصد) به میزان برابر، اهالی جنوب شرق و شرق کشور هستند.

در داده‌های کیفی، سن افراد مورد مطالعه بین ۲۰ تا ۴۰ سال و شمار فرزندان خانواده پاسخ‌گویان بین ۲ تا ۸ فرزند است. فراوانی فرزند اول بودن در میان این پاسخ‌گویان، بیش از موارد اعلام‌شده دیگر است. به غیر از یک مورد (زهرة) مصاحبه‌شوندگان دیگر در شهری غیر از شهر محل سکونت خانواده‌هایشان سکونت دارند.

پایگاه اقتصادی و اجتماعی پاسخ‌گویان: بر اساس داده‌های کمی، محل سکونت خانواده بیشتر پاسخ‌گویان (۵۵/۸ درصد) در مناطق متوسط واقع شده است. میزان تحصیلات بیشتر پاسخ‌گویان (۹۶/۶ درصد) نیز لیسانس و بالاتر است که بیشترین آنها (۵۵/۸ درصد) دارای مدرک کارشناسی و اغلب در رشته‌های علوم انسانی تحصیل کرده‌اند. بیشتر پاسخ‌گویان (۵۸/۹ درصد) کارمند هستند و ۴۴/۶ درصد پاسخ‌دهندگان، سه میلیون و پانصد هزار تا پنج میلیون ریال درآمد ماهانه دارند. بیشتر پاسخ‌گویان نیز در شرکت‌های خصوصی مشغول به کارند.

در داده‌های کیفی نیز به غیر از یک مورد که دارای تحصیلات دیپلم است (تبسم) و یک نفر (خاطره) که فوق دیپلم دارد، دیگران تحصیلات لیسانس و بالاتر دارند. در مورد شغل پاسخ‌گویان می‌توان گفت به جز یک مورد (فهیمه) که دانشجوی بدون شغل و درآمد است و یک نفر (تبسم) که به گفته خودش دو هفته است که بیکار شد، بقیه شاغل و کارمند بخش‌های دولتی و غیردولتی هستند که از میان کارمندان ۳ نفر (زهرا، پریسا و سمیرا) کارمند رسمی در بخش دولتی، ۲ نفر کارمند قراردادی در بخش دولتی (میترا) و

نیمه دولتی (زهره) هستند و مابقی بخش غیردولتی کار می کنند. درآمد پاسخ گویان به جز یک نفر (تبسم) که درآمد مشخص ندارد و دیگری (فهیمه) که از سوی خانواده تامین می شود و خود هیچ درآمدی ندارد، بین ۳۵۰ هزار تومان تا بیش از یک میلیون تومان اعلام شده است (با در نظر گرفتن اینکه این پژوهش در سال ۹۱ انجام شده است). همان گونه که مشاهده می شود، تحصیلات بالای لیسانس، اشتغال بیشتر پاسخ گویان به کارهای دفتری و اداری در هر دو جامعه مورد تحقیق، مشترک است.

سبک زندگی دختران مجرد مستقل

۱. شیوه تغذیه: بررسی انجام شده نشان می دهد غذای اصلی پاسخ دهندگان، مواد غذایی با درصد نشاسته بالا (نان، برنج و سیب زمینی) و سپس روغن و لبنیات است. در میان پاسخ گویان، وعده غذایی ناهار با ۸۱ درصد فراوانی که گفته شده هر روز صرف می شود، بیشترین اهمیت را دارد. پس از آن، شام با ۵۸/۹ درصد قرار دارد و صبحانه با کمترین اهمیت نسبت به دو وعده دیگر با فراوانی ۵۱/۱ درصد در هر روز قرار دارد. میان وعده و عصرانه را اغلب اگر فرصت داشته باشند، مصرف می کنند.

اما در انتخاب شیوه مصرف مواد غذایی می توان گفت دخترانی که در پانسیون زندگی می کنند، بیشتر خواهان مصرف غذا به شیوه سنتی اند و می کوشند غذاهای ساده سنتی تهیه کنند. توجیحی بالاتر از این نیست که این افراد برای تهیه غذا دچار کمبود زمان و امکانات هستند:

به خاطر کمبود امکانات و کمبود وقت، نمی شه هر غذایی رو درست کنیم. بیشتر سعی می کنیم غذاهای راحت درست کنیم. تو خونه خودت که هستی، چون امکانات بیشتر هست، خیلی کارها رو راحت تر و بهتر می شه انجام داد. کل خونه و فضا مال خودته؛ اینجا به خاطر کمبود جا، از خیلی مواد غذایی می زنی. برای همین مجبوریم غذای ساده درست کنیم یا تکراری درست کنیم یا بخوریم (باران).

اینجا هر کی هر چی داره، با دیگران شریکه. یک دونه یخچال هست، اون هم به این کوچیکی. شش نفر می خوام خرید کنیم و بگذاریم توش، جا نمی شه ... ظرف و ظروفون محدوده، جا نداریم بذاریم که بخوایم تهیه کنیم (الهه).

... نمی تونیم هرچی بخوایم، درست کنیم. خیلی چیزها هست که می خوام درست کنیم، به خاطر رعایت حال بعضی ها که شاید نتونند درست کنند، نمی تونیم درست کنیم و بخوریم (فاطمه).

اما دختران مستقلی که در منزل شخصی زندگی می کنند، افزون بر محدودیت های مالی که ممکن است داشته باشند، تقریباً به میل و سلیقه خود مصرف می کنند.

برنامه خاصی ندارم. خیلی آدمی هستم که دوست دارم بر اساس احساسم پیش برم ... دوست دارم مدت زمان، خیلی طولانی باشه، توش خیلی سلیقه و حوصله به خرج بدم (زهره).
سبک غذایی با موقعی که خونه پدری بودم، فرقی نمی کنه (میترا).
بد نیست؛ پول دستم باشه، به اندازه دو ماهم گوشت و مرغ می خرم که یه موقع بیکار باشم، گوشت و مرغ تو خونم باشه. لبتیات زیاد مصرف می کنم ... هر مدلی که حوصله کنم، بپزم و بخورم (تبسم).
درسته شرایط مالی یه خورده سخت شده؛ ولی به خودم سخت نمی گیرم. هرچی هوس کنم یا دوست داشته باشم برای خودم می گیرم. بیشتر همین غذاهایی معمول خودمون رو ترجیح می دم. میوه و سبزی هم مصرف می کنم (معصومه).
از وقتی مستقل شدم، عادت های غذایی و تنوع غذایی زیاد شده. سعی می کنم چیزهای سالم و مفید مصرف کنم تا بتونم انرژی رو تأمین کنم؛ هم گوشت قرمز و هم گوشت سفید مرغ و ماهی. همیشه موقع خرید و مصرف، طوری برنامه ریزی می کنم که همه چیز تو برنامه غذایی باشه (رؤیا).

۲. مدیریت بدن و توجه به ظاهر: پاسخ افراد مورد تحقیق به این پرسش که «شما معمولاً در نحوه پوشش خود، پیرو کدام تفکر هستید؟» در جدول شماره ۲ درج شده است. بیشتر پاسخ گویان (۲۸/۹ درصد) در گزینش نوع لباس خود، پیرو مد اما با شرط پوشاندگی لباس هستند و کمترین آنها (۱۰/۳ درصد) گفتند لباسی می خرند که جلب توجه کند. همان گونه که می بینیم، بیشتر پاسخ دهندگان به پوشیده بودن و جلب توجه نکردن لباس اهمیت می دهند.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی انتخاب نحوه پوشش در دختران

شما معمولاً در نحوه پوششتان پیرو کدام تفکر هستید؟		
	فراوانی	درصد
هرچه مد روز باشد	۱۱	۱۲.۲
مد روز و کاملاً پوشیده	۲۶	۲۸.۹
لباسی که کمتر جلب توجه کند	۲۲	۲۴.۴
من با لباس مد روز مخالفم	۱۲	۱۳.۳
لباسی که جلب توجه کند	۸	۸.۹
کدام یک از موارد ذیل را در پوشش خود به کار می برید؟		
	فراوانی	درصد
باحجاب چادری	۱۰	۱۱.۱
باحجاب بدون چادر	۱۶	۱۷.۸
حجاب معمولی	۴۷	۵۲.۲
خود را ملزم به حفظ حجاب نمی دانم	۱۷	۱۸.۹

در نحوه کاربرد حجاب و پوشش، بیشترین درصد (۵۲/۲ درصد) پاسخ‌گویان در پوشش خارج از منزل خود، حجاب معمولی (بدون چادر که خیلی به پوشش خود حساسی نیستند) دارند و کمترین درصد (۱۱/۱ درصد) با حجاب چادری هستند. ۱۸/۹ درصد نیز گفتند خود را به حفظ حجاب ملزم نمی‌دانند.

از یافته‌های کیفی مشخص می‌شود که عنصر امنیت، اهمیت فراوانی در انتخاب نوع پوشش دارد؛ به طوری که اگر در شرایطی نیاز ببینند که حد بالای حجاب (استفاده از چادر) تأمین‌کننده امنیت آنهاست، از آن استفاده می‌کنند.

... من هر قدر اعتقاد به پوشش آزاد داشته باشم، چون تنها زندگی می‌کنم، هر کسی از این در بیاد تو، من چادر می‌پوشم. واقعاً اعتقادی به حجاب ندارم؛ ولی این کار رو می‌کنم؛ برای اینکه شخص به خودش اجازه نده چون تنهام ... (معصومه).

به زمانی که بی‌حالم، چادر سرم می‌کنم تا هیچ کس چیزی بهم نگه (تبسم).
به چیز بی‌حجابی نمی‌پوشم که معذب باشم و دیگران بهم نگاه کنند. خودم توش راحت باشم؛ نه توی خودم، از نظر مردم راحت باشم. کسی زیاد بهم نگاه نکنه ... با وجود اینکه علاقه زیادی دارم که هرچی دلم می‌خواهد بپوشم و معمولاً به نظر دیگران اهمیت نمی‌دم (مریم).

۳. آرایش: بر اساس پیمایش، بیشتر پاسخ‌گویان (۶۳/۳ درصد) هر روز در حد معمول و متعارف (استفاده از ۳-۴ قلم لوازم آرایش از جمله ضد آفتاب یا کرم پودر، رژ رنگ ملایم، مداد چشم و رژگونه) آرایش می‌کنند. ۲۶/۱ درصد گفتند گاهی اوقات آرایش می‌کنند. ۵/۷ درصد نیز گفتند هیچ‌گاه آرایش نمی‌کنند. شمار اندکی (۴/۴ درصد) نیز هر روز به میزان چشمگیری (بیش از ۶-۷ قلم لوازم آرایش از جمله کرم پودر یا ضد آفتاب به همراه ریمل، رژگونه، خط چشم، سایه چشم و مداد چشم) آرایش می‌کنند.

بر اساس یافته‌های کیفی می‌توان افراد را از نظر استفاده از لوازم آرایش به دو تیپ بدون آرایش و تیپ با آرایش تقسیم کرد. بدون آرایش‌ها کسانی هستند که به طور معمول در خارج از منزل، آرایش ندارند و به جز استفاده از ضد آفتاب، لوازم آرایشی استفاده نمی‌کنند. این افراد گاهی در مهمانی‌ها و به اصرار اطرافیان، این کار را انجام می‌دهند؛

برنامه‌ای بوده، مهمونی‌ای بوده. آگه ساده باشم، خواهر کوچیک من حاضر نیست با من بیاد بیرون. خیلی کم ... زیاد آشنایی ندارم، خودم هم ندارم؛ همیشه از وسایل خواهرم استفاده می‌کنم. در حد یک رژ یا ریمل زدن، کرم زدن. اصلاً استفاده نمی‌کنم؛ ضد آفتاب هم اصلاً استفاده نمی‌کنم؛ کوه هم برم همین طوری می‌رم. اصلاً اعتقادی بهش ندارم. حس می‌کنم

مواد شیمیایی هست و پوست رو بدتر می‌کنه تا بهتر کنه (زهره).
نود درصد مواقع آرایش ندارم. یا بخوام برم مهمونی آرایش کنم یا دلم خیلی گرفته باشه.
کاری ندارم، می‌رم سراغ لوازم آرایش، آرایش می‌کنم؛ ولی در حالت عادی بگم بخوام
آرایش کنم، یه رژ لب بزنم، یه مداد به چشمم بکشم. تو محیط کار که اصلاً آرایش نمی‌کنم؛
همین طوری هم خودم در دسر دارم؛ چه برسه به اینکه بخوام آرایش کنم (تبسم).
تیپ با آرایش، هر روز و به‌طور معمول آرایش می‌کنند؛ اما در این میان، کیفیت و مقدار
آرایش، بر حسب مکانی که قرار است حضور پیدا کنند، متفاوت است؛

بیرون، پارکی - جایی می‌رم، در حدی که قیافم خوشگل بشه، آرایش می‌کنم، عروسی یه
جور دیگه آرایش می‌کنم، تو اجتماع باشه یه جور دیگه که تو چشم نباشم. روزهای عادی
که می‌رم اداره، یه دونه ضد آفتاب می‌زنم با یه مداد مشکی دور چشم که بی‌روح نباشم. اگه
بخوام برم پارک سعی می‌کنم یه مداد سبزی هم زیر اون مداد مشکی بزنم که چشم‌هام سبزه،
سبزیش بیشتر باشه. یه سایه نقره‌ای مایل به طوسی هم می‌زنم. رژ کم‌رنگی هم می‌زنم.
عروسی یه رژ غلیظ می‌زنم؛ نه خیلی غلیظ؛ ولی تا حدی که تو چشم بزنه ... (میترا).

برخی در همه‌جا به میزان یکسان آرایش می‌کنند؛

آره، آرایش کم رو به‌طور معمول دارم. تو محیط کار و خرید و بازار و مهمونی فرق نمی‌کنه؛
همیشه در یک حد رژ، کرم پودر و ضد آفتاب (پریسا).

۴. آراستن مو و ابرو: در موارد رنگ کردن، فر کردن، مش کردن مو و رنگ کردن ابرو،
بیشترین فراوانی در این زمینه مربوط به رنگ کردن مو با ۴۵/۵ درصد از کل پاسخ‌دهندگان
است. مش کردن موی سر نیز با ۵/۷ درصد، کمترین میزان فراوانی را دارد. همچنین
۱۵/۹ درصد از دختران، هیچ‌یک از موارد یادشده را انجام نداده‌اند و ۸۱/۱ درصد، دست‌کم
یکی از این موارد را انجام داده‌اند.

در اینجا می‌توان نظر افراد را به دو گروه تقسیم کرد: افرادی که آراستن مو و ابرو را
فقط برای پس از ازدواج مجاز می‌دانند؛

نه، من که اصلاً امکان نداره این کار رو بکنم. با وجود اینکه می‌بینی بیشتر موهای سرم سفید
شده؛ ولی تو شهر ما بد می‌دونند و منم خودم خوشم نیامد ... به نظر من آدم باید یه سری
چیزها رو بگذاره واسه شوهرش ... خب یعنی وقتی ازدواج کرد (خاطره).

افرادی که محدودیتی برای انجام آن قائل نیستند، به دو گروه تقسیم می‌شوند: ۱.

کسانی که آن را مجاز می‌دانند و مرتب آن را انجام می‌دهند؛

خب من خیلی خوشم میاد از رنگ کردن موهام و اینکه خب موهای سرم تا حدودی چند تار
سفید داره. هم یه تنوعی می‌شه، هم اون چند تار مو پوشیده می‌شه ... موهام رو می‌گذارم

بیرون؛ ولی به خاطر این نیست که رنگ می‌زنم... ابروها هم همین‌طور. می‌بینید که همیشه رنگ می‌گذارم. فرِ موهام هم طبیعی نیست؛ فر کردم. الآن موی فر مد شده دیگه (معصومه).

گروهی نیز هستند که با وجود مجاز دانستن این کار، آن را انجام نمی‌دهند؛ خوبه، من خودم نه اینکه علاقه‌ای نداشته باشم؛ ولی رنگ موهای خودم رو بیشتر دوست دارم... هرچند همه به خاطر موهای سفیدی که کنار شقیقه‌هام سبز شده، تذکر میدند و توصیه می‌کنند رنگشون کنم... به نظرم وقتی ابروها رو رنگ می‌کنی، چهره‌ات خیلی باز می‌شه. کسانی که این کار رو کردند رو دیدم؛ ولی من به خاطر شرایط زندگی که دارم، این کار رو نمی‌کنم. اگه بخوام، می‌تونم. آزادم؛ ولی ترجیح می‌دم این کار رو نکنم (رؤیا).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، هم در داده‌های کمی و هم در داده‌های کیفی، رنگ کردن مو بیشتر مورد توجه افراد قرار دارد. شاید سفید شدن موی سر، یکی از مهم‌ترین علت‌های گرایش دختران به رنگ کردن موها باشد. چنان‌که ملاحظه کردیم، در بیشتر موارد - چه کسانی که موهای خود را رنگ کرده‌اند و چه آنان که آن کار را انجام نداده‌اند - به آن اشاره کرده‌اند.

۵. حفظ تناسب اندام: بر اساس یافته‌های کمی، ۴۶/۶ درصد پاسخ‌گویان، افزون بر رضایت داشتن از اندام خود، در حفظ تناسب اندام خود نیز می‌کوشند و ۳۱/۸ درصد، ضمن نارضایتی اندام خود، برای بهبود آن تلاش می‌کنند. در مجموع برای بیشتر دختران مجردی که زندگی مستقل دارند، تناسب اندام یک مسئله است؛ یعنی ۷۸/۴ درصد از آنان برای تغییر و حفظ تناسب اندام خود می‌کوشند. ۲/۳ درصد از اندام خود راضی نیستند و برای تغییر آن نیز تلاش نمی‌کنند. نتایج تفصیلی درباره فعالیت‌های مربوط به تناسب اندام در جدول ذیل درج شده است.

جدول شماره ۳: توزیع درصدی روش‌های حفظ تناسب اندام در دختران مجرد مستقل

	همیشه		گاهی اوقات		هیچ‌گاه	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
استفاده از رژیم غذایی مناسب	۱۶	۱۷/۸	۴۷	۵۲/۲	۲۰	۲۲/۲
رفتن به باشگاه‌های ورزشی	۵	۵/۶	۲۹	۳۲/۲	۴۷	۵۲/۲
استفاده از وسایل ورزشی در منزل	۱	۱/۱	۲۳	۲۵/۶	۴۷	۵۲/۲
پیاده‌روی یا ورزش صبحگاهی	۱۴	۱۵/۶	۴۷	۵۲/۲	۱۸	۲۰
کوه‌نوردی	۱	۱/۱	۳۵	۳۸/۹	۳۹	۴۳/۳

با توجه به اینکه ۷۸/۴ درصد افراد گفته بودند در حفظ تناسب اندام خود می‌کوشند،

می توان از داده های جدول شماره ۳ نتیجه گرفت این تلاش به صورت پیوسته و خیلی جدی نیست؛ چون همان گونه که ملاحظه می شود در تمام موارد سؤال شده، بیشتر پاسخ گویان اظهار کرده اند گاهی اوقات برای تناسب اندام خود کاری می کنند؛ آن هم اغلب با رژیم غذایی و انجام پیاده روی یا ورزش صبحگاهی که آسان ترین راه برای حفظ تناسب اندام به شمار می رود.

بر اساس داده های کیفی در مقوله تناسب اندام، با چهار دسته افراد سروکار داریم:

۵-۱. کسانی که به آن اهمیت می دهند و در حفظ آن می کوشند.

خیلی برام مهمه. الان بهش خیلی اصرار ورزیدم؛ احساس می کنم سنگینی خیلی بده. چند وقتی برام مهم نبود؛ تقریباً به سالی هست که برام مهم شده. کلاس می رم و ورزش می کنم، رژیم غذایی هم دارم (مریم).

۵-۲. کسانی که اهمیت می دهند؛ ولی نیازی نمی بینند کاری انجام دهند.

خیلی اهمیت می دم؛ اما هیچ کاری نمی کنم؛ چون همیشه این طوری هستم. آگه ورزشی هم انجام می دم، به خاطر سرگرمی و تفریح؛ نه تناسب اندام (سمیرا).

۵-۳. کسانی که اهمیت می دهند، نیاز هم می بینند؛ اما فرصت انجام کاری را ندارند.

من خودم به زمانی مربی اسکیت بودم. قبلاً خیلی اهل ورزش بودم. الان فکر می کنم خیلی اندامم به هم ریخته و باید رژیم بگیرم. اون قدر درگیر مشکلاتم هستم که فرصت فکر کردم به این قسمت قضیه رو ندارم (تبسم).

۵-۴. کسانی که با وجود اضافه وزنی که دارند، اهمیتی نمی دهند.

اصلاً اهمیت نمی دم، برام مهم نیست (خاطره).

من از هیکل خودم خوشم میاد، خدایی نمی دونم حالا خودشیفتگی دارم! جلو آینه که می ایستم، خودم رو نگاه کنم، می گم این دختره عروسکه. دوست هام می گند توهم زدی (میترا).

۶. دستکاری و تغییر شکل اندام: همان گونه که در جدول شماره ۴ می بینیم، ۵۸/۹ درصد

پاسخ گویان در بدن خود تغییری ایجاد نکرده اند؛ بنابراین می توان محاسبه کرد که

۴۱/۱ درصد پاسخ گویان دست کم یکی از موارد را در بدن خود انجام داده اند که از این میان

جراحی های زیبایی، بالاترین میزان با ۱۰ درصد را نشان می دهد.

جدول شماره ۴: بررسی فراوانی میزان تغییر شکل بدن در دختران مستقل

هیچ کدام	لیزر پوست	برنزه کردن	جراحی بینی	تاتو (برو، خط چشم و لب	سوراخ کردن ناف	کاشت ناخن	کاشت ناخن	ایجاد چند سوراخ در گوش	نوع عمل
۵۳	۴	۶	۹	۴	۱	۲	۶	۷	فراوانی
۵۸/۹	۴/۴	۶/۷	۱۰	۴/۴	۱/۱	۲/۲	۶/۷	۷/۸	درصد

یافته‌های کیفی نیز نشان می‌دهد اغلب مصاحبه‌شوندگان، تجربه دستکاری در بدن و تغییر در اندام خود را نداشتند. افراد در این زمینه، دیدگاه‌ها و رفتارهای گوناگونی دارند؛ به طوری که درباره برخی از آنها می‌توان گفت خودشان نظر خوبی به انجام آن ندارند؛ ولی مخالف انجام آن نیز نیستند.

هیچ وقت؛ دوست ندارم داشته باشم. خیلی از خودم راضیم. به نظرم خوبه؛ هیچ مشکلی نداره. اصلاً مخالف عمل زیبایی نیستم؛ اتفاقاً خیلی لذت می‌برم وقتی زیبایی‌ها رو می‌بینم. دیدن یک خانم زیبا مثل دیدن یک تابلوی نقاشیه (زهره).

من تا حالا به این نتیجه نرسیدم که یک اندام مشکل داره و نیاز داره. اگر که یک مشکل باشه، آره، خوبه؛ چیز خوبیه؛ ولی خب برای خودم در حال حاضر احساس نمی‌کنم داشته باشم. از خودم راضیم (پریسا).

به نظر من این عمل‌های زیبایی خیلی مقطعی. چندین بار عمل زیبایی داشتم. من امتحانی لیزر کردم؛ چون دیدم فایده نداره، ول کردم. دوست دارم! خوبه و نگهداری می‌خواد؛ ولی من اهلش نیستم... ولی کلاً خوبه؛ مثلاً عمل کردن بینی (مریم).

برخی نیز عمل زیبایی را قبول ندارند و معتقدند طبیعت آدم زیباتر است.

عمل زیبایی نداشتم. عمل‌های جراحی زیبایی رو قبول ندارم. خدا اینجوری نقاشیت کرده، دوست داشته اینجوری نقاشیت کنه؛ حتی اگه فکر می‌کنی زشتی، شاید تو رو به صورت یه کودک سه‌ساله نقاشی کرده. طبیعت آدم زیباتره (تبسم).

برخی، هم موافق هستند و هم تجربه داشته‌اند.

بله، (به بینی‌اش اشاره می‌کند) تقریباً دو ماه و نیمه و خدا رو شکر مشکلی نداشتم. به نظر من اگر آدم هزینه‌اش رو داشته باشه و یه جوری از چهره خودش ناراضی باشه، عمل کنه بهتره. اگر تونست باهاش کنار بیاد که خوبه؛ ولی اگر با عمل اعتماد به نفسش بالا بره، بهتره (سمیرا).

۷. چگونگی گذران اوقات فراغت: با توجه به جدول شماره ۵ در روزهای عادی بیشتر

پاسخ‌گویان ۴۵/۲ درصد، عصر تا اول شب و ۴۱/۷ درصد، اول شب تا هنگام خواب، زمان فراغت می‌یابند. در روزهای تعطیل نیز بیشتر آنها (۳۳/۷ درصد) گفتند عصر تا اول شب، اوقات

فراغت پیدا می‌کنند و پس از آن، ۲۶/۵ درصد گفتند ظهر تا عصر، وقت فراغت دارند.

در شیوه گذران اوقات فراغت در روزهای معمولی، اغلب با تماشای تلویزیون (۵۲/۲ درصد)، خوابیدن (۴۳/۳ درصد) و مطالعه کتاب غیردرسی (۴۲/۲ درصد) بیشترین فراوانی را داشتند و در روزهای تعطیل، موسیقی (۵۲/۲ درصد)، استفاده از اینترنت (۴۴/۴ درصد) و خوابیدن (۴۲/۲ درصد) بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی چگونگی گذران اوقات فراغت

نوع فعالیت	معمولی	تعطیل
فراوانی	۵۶	۴۷
درصد	۶۲/۲	۵۲/۲
فراوانی	۶	۴
درصد	۶/۷	۴/۴
موسیقی	۱۷/۸	۲۲/۲
تلویزیون	۱۷/۸	۲۲/۲
ماهواره	۷/۸	۱۲/۲
اینترنت	۱۷/۸	۴۴/۴
کتاب غیردرسی	۴۲/۲	۳۲/۲
مجله	۱۶/۷	۱۱/۱
رفتن به پارک	۲۷/۸	۳۲/۲
دیدار با دوستان در بیرون	۲۴/۴	۳۷/۸
گشت در بازار	۲۵/۶	۳۲/۲
ورزش	۲۳/۳	۱۳/۳
خوابیدن	۴۳/۳	۴۲/۲
سایر	۷/۸	۷/۸

در یافته‌های کیفی فعالیت‌هایی که در گذراندن اوقات فراغت در روزهای معمولی انجام می‌دهند، اغلب فعالیت‌هایی به چشم می‌خورد که در خانه انجام می‌گیرد؛ کتاب بخونم، فیلم ببینم، مجله بخونم که هم‌زمان این کارها رو پر کنم و شب - چون من ساعت خوابم کمه - به مطالعه می‌پردازم (زهره).

یه ساعتی می‌خوابم. بعد شام می‌پزم و ناهار فردا رو می‌پزم. معمولاً با هم‌خونه‌ای‌هام یه ساعتی می‌زنیم و می‌رقصیم. اگه شاد باشیم، می‌زنیم و می‌رقصیم؛ شاد نباشیم هم یه شجریانی، چیزی. تلویزیون نداریم، من خودم اصلاً اهل تلویزیون نیستم؛ ولی خب از اینترنت خیلی استفاده می‌کنم (میترا).

کارهام رو می‌کنم. بعدش یه ساعتی با نامزدم چت می‌کنم و می‌خوابم. البته فیلم دیدن رو خیلی دوست دارم. نامزدم کلی فیلم برام گرفته که هرچی نگاه کنم، تموم نمی‌شه. تقریباً شبی یکیش رو می‌بینم. کار خاص دیگه‌ای نمی‌کنم. اگه بخوام خرید بکنم، معمولاً سر راه که میام خونه یا روزهای پنجشنبه (رؤیا).

کلاس زبان می‌رفتم ساعت ۵:۳۰ تا ۷؛ ولی برای خودم یه ساعت ونیمی دارم. مگه بچه‌ها تلویزیون نگاه کنند، من هم موقعی که کارام رو انجام می‌دم، ببینم. بیشتر آهنگ گوش می‌کنم؛ تلویزیون نگاه نمی‌کنم (خاطره).

بعضی از روزها کلاسی برم. با ورزش پر می‌کنم. با دوستانم که نه (مریم).

معمولاً بعد از ظهرها آزادم. بیشتر پیاده‌روی می‌کنم. اگه خریدی باشه، انجام می‌دم. زیاد اهل

مهمونی نیستم؛ ولی گاه گذاری آگه برم خونه دوست هام. بیشتر وقتم توی خونه می گذره که یا تو اینترنتم یا فیلم نگاه می کنم، جدول حل می کنم، روزنامه ای آگه خریده باشم، مطالعه می کنم (پریسا).
فرصت آگه پیش بیاد، آشپزی می کنم. کتابی می خونم یا فیلم یا تلویزیون نگاه می کنم (زهرا)
اما در روزهای تعطیل، بیشتر مصاحبه شونندگان ترجیح می دهند به فعالیت هایی در بیرون از خانه و به همراه دوستان بپردازند؛

سعی می کنیم بعد نماز صبح بریم دربند، معمولاً هر جمعه می ریم (میترا).
روزهای تعطیل رو خوب معمولاً با دوست هام قرار می گذاریم می ریم کوه (معصومه).
جمعه ها با دوستانم برنامه کوه نوردی داریم. یه هفته می رم پیش خانواده، یه هفته با دوستانم می گذروم (مریم).
دخترانی که کارمند رسمی هستند، گفتند روزهای تعطیل پیش خانواده می روند و این روزها را با آنان می گذرانند؛

می رم خونه (پیش خانواده) ... اونجا هم که نصف روز خوابم ... بعدش آگه حوصله کنم، برم حرم (پریسا).
می رم پیش خانواده، اونجا با خانواده می ریم بیرون شهر (سمیرا).
می رم خونه پیش خانواده (زهرا).

۸. دینداری

بعد مناسکی دینداری در یافته های کمی: در پاسخ به پرسش «آیا در مراسم مذهبی شرکت می کنید»، ۷۲/۲ درصد مصاحبه شونندگان، پاسخ مثبت و ۲۷/۷ درصد، پاسخ منفی داده اند.
جدول شماره ۶: فراوانی درصدی داده های کمی بعد مناسکی دینداری دختران مستقل

	خواندن نماز						روزه گرفتن	
	نماز صبح		نماز ظهر و عصر		نماز مغرب و عشا		فراوانی	درصد
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
همیشه	۲۹	۳۲/۲	۴۹	۵۴/۴	۵۱	۵۶/۷	۲۵	۲۷/۸
گاهی اوقات	۲۴	۲۶/۷	۱۵	۱۶/۷	۱۴	۱۵/۶	۲۸	۳۱/۱
هیچ وقت	۳۰	۳۳/۳	۲۲	۲۴/۴	۲۱	۲۳/۳	۳۴	۳۷/۸

همان گونه که از داده های جدول شماره ۶ پیداست بیشترین تعداد (۵۶/۷ درصد) همیشه نماز مغرب و عشا می خوانند، نماز ظهر و عصر را ۵۴/۴ درصد همیشه می خوانند و ۳۳/۳ درصد هیچ گاه نماز صبح نمی خوانند. همچنین درباره روزه گرفتن نیز بالاترین درصد (۳۷/۸ درصد) هرگز روزه نمی گیرند.

در انجام اعمال مذهبی همچون نماز خواندن و روزه گرفتن می توان گفت به طور میانگین حدود ۳۲ درصد دختران مجرد همیشه و حدود ۴۳ درصد آنان گاهی اوقات این اعمال را به جا می آورند و ۲۵/۳۵ درصد میانگین افراد گفته اند هیچ گاه این فرایض را انجام نمی دهند. بعد اعتقادی دینداری: بعد اعتقادی دینداری را با سنجش میزان اعتقادات افراد به اصول توحید، معاد و نبوت سنجیده ایم. همان گونه که در جدول شماره ۷ آمده، قریب به اتفاق افراد مصاحبه شونده اعتقادات مذهبی دارند.

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی داده های کمی بعد اعتقادی دینداری دختران مستقل

دینداری	اعتقاد دارم			اعتقاد کم دارم			اصلاً اعتقاد ندارم		
	درصد	فراوانی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	درصد معتبر
اعتقاد به وجود و وحدانیت خداوند	۹۴/۴	۸۵	۹۷/۷	۱/۱	۱	۱/۱	۱/۱	۱	۱/۱
اعتقاد به روز رستاخیز	۸۶/۷	۷۸	۹۵/۴	۷/۸	۷	۸	۳۳/۳	۳	۳/۴
محمد ﷺ خاتم انبیا و رسول خداست	۹۱/۱	۸۲	۹۴/۳	۴/۴	۴	۴/۶	۲/۲	۲	۲/۳
اعتقاد به زندگی پس از مرگ	۸۵/۶	۸۷	۸۹/۵	۸/۹	۸	۹/۳	۱/۱	۱	۱/۱

بعد اعتقادی دینداری در داده های کیفی: بر اساس مصاحبه، همه افراد مورد بررسی به وجود خداوند باور دارند؛ اعتقاد مذهبی ها و غیر مذهبی ها متفاوت است. غیر مذهبی ها خدا را در دین خلاصه نمی دانند و آن را در پیوند با نداشته ها و خواسته های خود نمی بینند. خوبه دوستش دارم، حسش می کنم ... هیچ وقت هم نشده مثل بقیه دعا کنم یا چیزی ازش بخوام. فقط حسش می کنم (زهره).
من خدا رو تو دین خلاصه نمی کنم. همه دین ها و همه ادیانی که داریم، همشون فقط شیوه رسیدن به خداشون فرق می کنه (تبسم).
اما مذهبی ها رابطه خود با خداوند را همچون رابطه با یک شخص ملموس توصیف می کنند و وجود او را در پیوند با خواسته های خود می بینند.
دوستیم، با هم دعوا می کنیم و تو سر و کله هم می زنیم. گاهی فحش می دیم ... گاهی گریه می کنیم. می گم چرا این جور شد؟ چرا اون جور شد؟ گاهی می گم من رو ببخش! غلط کردم و اینجوری (میترا).
از موقعی که پدرم فوت کرده، رابطه ام با خدا خیلی بهتر شده؛ چون احساس می کنم خدا

بیشتر در حقم، پدری می‌کنه تا خدایی کنه (مریم).
چون خدا هوام رو داره، دوستش دارم (پریسا).

۹. نحوه رابطه با خانواده

در یافته‌های کمی، ۴۱/۹ درصد پاسخ‌گویان، ماهی یک بار به خانه پدری خود سر می‌زنند و ۴۱/۹ درصد هر چند ماه یک بار یا بیشتر. ۱۵/۱ درصد نیز هر هفته یک بار به خانه پدری خود سر می‌زنند. ۱/۲ درصد هیچ‌گاه به خانواده سر نمی‌زنند.

۸۷/۴ درصد پاسخ‌گویان وقتی به خانه پدری خود می‌روند، رابطه صمیمانه‌ای با اعضای خانواده خود برقرار می‌کنند و بیشتر وقت خود را با آنها می‌گذرانند. ۶/۹ درصد به این موضوع، بی‌تفاوت‌اند و ۴/۶ درصد رابطه دوستانه‌ای با اعضای خانواده خود ندارند و بیشتر وقت خود را تنها و بدون ارتباط با اعضای خانواده خود می‌گذرانند.

۴۴/۳ درصد روزی یک بار با خانواده در تماس تلفنی هستند، ۳۰/۷ درصد گفتند روزی چندین بار این ارتباط را برقرار می‌کنند، ۲۳/۹ درصد هفته‌ای یک بار این کار را می‌کنند و ۱/۱ درصد ماهی یک بار با خانواده تماس تلفنی دارند.

از داده‌های کیفی معلوم می‌شود انتخاب زندگی مستقل بر نوع روابط برخی تأثیر داشته؛ ولی برای برخی دیگر بی‌تأثیر بوده است.

۹-۱. برای کسانی که بر نوع روابطشان تأثیر داشته، این تأثیر، یا منفی بوده است یا مثبت. برای عده‌ای این تأثیر، منفی بوده است.

خانواده قطعاً مشکل داشتند. برایشون این مسئله بوده ... من برم، پیام مشکلی نداره. پدر و مادرم اصلاً نمیان ... خانواده وقتی می‌بینه تو این کار رو می‌کنی، پاش رو می‌کشه کنار تا شاید تو تحت فشار قرار بگیری و برگردی ... (زهره).

برای برخی نیز تأثیر مثبت داشته است.

من از وقتی جدا شدم، رابطه‌ام با خانوادم خیلی بهتر شد. احترامم بالاتر رفت (معصومه).

۹-۲. افرادی که زندگی مستقلشان بر روابط آنان تأثیر نداشته، کسانی هستند که یا رابطه خوبی با خانواده داشته‌اند و وضع، همان‌گونه باقی مانده است.

بالاخره خوب هست؛ ولی من با برادرهام خیلی خوب رفتار می‌کنم. چهار تا برادر دارم؛ دوتا شون اینجان و دوتا شون هم اونجان. رفت و آمد داریم (مریم).

یا اینکه رابطه دوستانه‌ای با خانواده ندارند.

من و مادرم هیچ‌وقت با هم نمی‌سازیم ... همیشه سر چیزهای کوچیک با هم بحثمون می‌شد ...

اومد ایران، حتی رفتم دیدمش ... وقتی شنیدم داره میاد ایران، رفتم این وسایل رو گرفتم که بدون من هم می‌تونم روی پای خودم بایستم؛ ولی نیومد زندگیم رو ببینه ... برای اون رباط کریم خیلی افت داره ... به نظرش وقتی رفتی، دیگه رفتی (تبسم).

۱۰. رابطه با جنس مخالف: دربارهٔ تعامل با جنس مخالف در یافته‌های کمی، ۵۷/۱ درصد پاسخ‌گویان گفتند در تعامل با جنس مخالف، حفظ حجاب و محرم و نامحرم را رعایت می‌کنند. ۳۸/۱ درصد هیچ محدودیتی برای خود در تعامل با جنس مخالف (برخوردهای فیزیکی مثل دست دادن و رعایت حجاب) قائل نبودند و کمترین درصد (۴/۸ درصد) گفتند ترجیح می‌دهند هیچ رابطه‌ای - حتی کلامی - با جنس مخالف نداشته باشند.

از کل پاسخ‌گویان، ۵۱/۱ درصد اظهار کردند با جنس مخالف رابطهٔ دوستی دارند و ۴۸/۹ درصد گفتند چنین رابطه‌ای ندارند. از میان افرادی که با جنس مخالف رابطهٔ دوستی دارند، بیشترین درصد (۴۸/۸ درصد) اظهار کردند صرفاً یک رابطهٔ عاطفی میان آنها و دوست پسرشان برقرار است و کمترین درصد (۲۰/۹ درصد) گفتند رابطهٔ عاطفی همراه با رابطهٔ جنسی با دوست پسرشان دارند.

در داده‌های کیفی می‌توان کیفیت برقرار کردن رابطه با جنس مخالف را از زبان خود افراد نیز بررسی کرد. در این میان می‌توان نوع برخورد با جنس مخالف را به صورت ذیل دسته‌بندی کرد:

- افرادی هستند که بیش از آنکه با هم‌جنس‌های خود رابطه دوستی برقرار کنند، با جنس مخالف در ارتباط هستند و پسران را درخور اعتمادتر از دختران می‌دانند.

دوست‌ها اغلب پسرند. دوست‌های خانم هم دارم؛ اما کم‌اند. ما دخترها متأسفانه افراد خیلی حسودی هستیم، دوه‌هم‌زنیم، خاله‌زنکیم (تبسم).

- دسته‌ای از افراد هستند که نوع رابطهٔ آنان با جنس مخالف، تنها از جنس یک دوستی اجتماعی است و برای آنها در دوستی، جنس مخالف با جنس موافق تفاوتی ندارد. همچنین رابطهٔ دوستی خاصی نیز با جنس مخالف ندارند.

من هیچ‌وقت جذب این قضیه نشدم و هیچ‌وقت برای خودم محدودیت قرار ندادم که از یه سری دیدگاه‌هایی که بده، بترسم. بعضیا دارند، این کار بدیه، دست نزن جیزه، اصلاً این‌طوری نبودم ... من توی دوستانم آقا خیلی زیاد دارم؛ ولی همشون تو یک سبک خیلی بسته‌اند؛ حتی خیلی‌هاشون متأهل‌اند که با خانوم و آقا هر دو ارتباط داریم (زهره).

- برخی با جنس مخالف به‌ویژه در محیط کار رابطه رسمی دارند؛ اما رابطهٔ دوستی هم با شخص خاصی برقرار کرده‌اند.

من خیلی اهل مرادده با جنس مخالف نیستم. تو محیط کار سعی می‌کنم خوش برخورد باشم باهاشون؛ اما خیلی رسمی و محترمانه ... خارج از اون هم که فقط یه دوست پسر دارم. قبلاً قرار بود ازدواج کنیم. به خاطر شرایط خاصی که داشت ... خانواده‌ام مخالفت کردند. ما هم به خاطر علاقه زیادی که به هم داریم، هنوز با هم در ارتباطیم. بین خودمون محرمیت خونندیم تا ببینیم در آینده خدا چی می‌خواد و چی پیش میاد ... نه، خانواده نمی‌دونند من باهاش در ارتباطم (رؤیا).

- بعضی‌ها از جنس مخالف گریزان‌اند.

من از جنس مخالف خب خیلی می‌ترسیدم. اوایل کاریم اونقدر استرس داشتم ... رفته‌رفته خوب بود. ارتباطمون باهاشون خیلی خوب شد، خیلی خوب شد. الان خیلی راحت شدم، الان مثل قبلاً نیستم که بترسم ... اگه یه مجرد اونجا باشه، خیلی سرد می‌شم؛ یعنی ترس رو نسبت بهش احساس می‌کنم (خاطره).

- برخی در برقراری رابطه با جنس مخالف به‌ویژه در محیط کار - به قول خودشان -

راحت هستند؛ اما اظهار کردند که دوست پسر ندارند.

با همکارهای مردم کاملاً راحت هستم؛ باینکه تابع اسلام هستم؛ ولی کلاً شوخی زیاد می‌کنم، سر کار بگذارم و ... وقتی بینم طرفم جنبه نداره، می‌رم تو لاک خودم ... دوست پسر (با یک مکث کوتاه) ندارم. در گذشته دوست پسر من در حد خواستگار بوده که خانواده هم در جریان نبودن. رابطه جنسی نداشتیم؛ فقط در حد یک رابطه عاطفی بود ... یک محرمیت بین خودمون خونده بودیم که وقتی کنار هم می‌نشینیم و دستمون به هم می‌خوره، گناه نداشته باشه ... ولی الان دیگه اعتماد نمی‌کنم (مریم).

۱۱. نگرش‌ها درباره ازدواج و رابطه جنسی پیش از ازدواج: دختران مستقلى که با آنان

مصاحبه کرده‌ایم، در برخورد با ازدواج، دو گروه هستند:

۱ - ۱۱. کسانی که به ازدواج نمی‌اندیشند و دو دلیل برای آنان وجود دارد:

الف) علاقه‌ای به ازدواج نشان نمی‌دهند.

چراش رو نمی‌دونم که بخوام بگم. پیش اومده باشه بخوام با خودم کنکاش کنم، بگم واقعاً چرا؛ ولی از وقتی یادم بوده، هیچ‌وقت به این قضیه فکر نکردم. من نمی‌دونم چرا؛ شرایط خانواده بوده که پدر و مادرم همیشه با هم مشکل داشتند تو خونه، همیشه با هم یه درگیری‌هایی داشتند. کنارش توی فامیل خیلی زیاد داشتیم؛ مثلاً عمه من یا پسرعموی من با خانمش. نمی‌دونم واقعاً ریشه‌اش چیه؛ ولی از وقتی یادم میاد، هیچ‌وقت به اون قضیه فکر نکردم (زهرا).

ب) وضعیت زندگی آنان، مانع از فراهم شدن شرایط ازدواج برایشان می‌شود.

من فکر نمی‌کنم؛ ولی خب یکیشون هست که به ازدواج با من فکر می‌کنه ... ولی خب

متأسفانه به دلیل قانون‌های خانواده‌های ایرانی و سنت‌نگریشون ... می‌پرسند باباش کیه؟ ننش کیه؟ باباش مال داره؟ نداره؟ ای بابا ... خودمون این وسط هیچی رو تعیین نمی‌کنیم ... یه سری مشکلاتی هست که جدا می‌کنه (تبسم).

۱-۲. کسانی که به ازدواج می‌اندیشند نیز، دو دلیل برای خود دارند:

الف) ازدواج را هدف غایی زندگی خود نمی‌دانند و برای آنها فرقی نمی‌کند.

من ازدواج رو موفقیت نمی‌بینم؛ مثل بعضی‌ها که دیدشون این هست؛ ولی اون رو تکمیل‌کننده موفقیت می‌دونم (معصومه).

ب) گروهی ازدواج را یک امر مهم در زندگی می‌دانند و ترجیح می‌دهند ازدواج کنند؛ تا اینکه به صورت مستقل به زندگی ادامه دهند.

ازدواج به نظر من خیلی خوبه! کاش جوون‌ها مشکلات سر راهشون حل بشه و بتونند ازدواج کنند! تعجب می‌کنم چرا بعضی از ازدواج فراری هستند! من حس می‌کنم آرامشی که آدم می‌تونه تو ازدواج داشته باشه، هیچ چیز دیگه نمی‌تونه بهش بده. من تا وقتی تکلیفم روشن نشه، نمی‌تونم آرامش پیدا کنم (رؤیا).

من درسته که در کنار خانواده بودن برام سخته؛ ولی علاقه دارم در وهله اول ازدواج کنم (فهیمة).

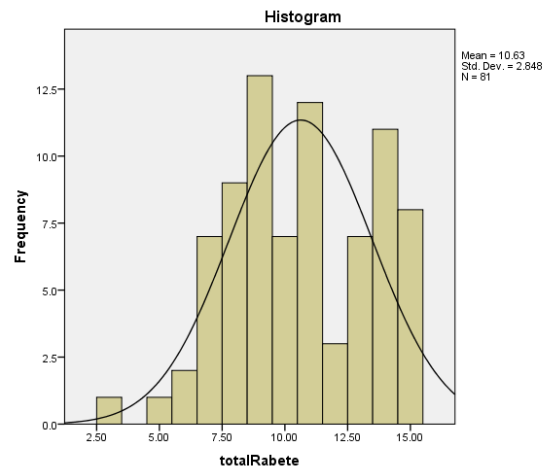
۱۲. نگرش درباره رابطه جنسی خارج از ازدواج در داده‌های کمی: ملاحظه داده‌های جدول ۸ نشان می‌دهد که در مجموع درباره برقراری رابطه جنسی خارج از ازدواج، نگرش‌ها منفی است.

جدول شماره ۸: توزیع فراوانی چگونگی نگرش درباره رابطه جنسی خارج از ازدواج

نگرش درباره رابطه جنسی خارج از ازدواج	موافق		بی نظر		مخالف	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
رابطه با جنس مخالف اگر با هدف ازدواج باشد، مفید است؛ چون باعث شناخت بیشتر افراد از یکدیگر می‌شود.	۲۷.۳	۲۴	۲۵	۲۲	۴۷.۷	۴۲
رابطه جنسی را نمی‌پسندم؛ چون فقط ضرر آن نصیب دختر می‌شود.	۶۴	۵۵	۱۶.۳	۱۴	۱۹.۸	۱۷
برای تداوم یک رابطه دوستانه و عاطفی، رابطه جنسی اجتناب‌ناپذیر است.	۲۱.۷	۱۸	۲۴.۱	۲۰	۵۴.۲	۴۵

برای درک بهتر نگرش به رابطه با جنس مخالف، نمودار ترکیبی آن را رسم کرده‌ایم. جدول شماره ۹: نگرش درباره رابطه جنسی خارج از ازدواج

Statistics		
totalRabete		
N	Valid	81
	Missing	9
	Mean	10.6296
	Median	11.0000
	Mode	9.00
	Std. Deviation	2.84800
	Variance	8.111
	Skewness	-.104
	Std. Error of Skewness	.267
	Kurtosis	-.736
	Std. Error of Kurtosis	.529
	Range	12.00
	Minimum	3.00
	Maximum	15.00



با توجه به نمودار و جدول فوق - همان گونه که ملاحظه می‌شود - میزان چولگی مقادیر ۰/۱۰۴ - نشان دهنده گرایش به مقادیر با مخالفت بیشتر برقراری رابطه جنسی قبل از ازدواج می‌باشد.

بر اساس یافته‌های کیفی، نظر افراد را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱-۲. کسانی که رابطه جنسی را تا پیش از دواج مجاز نمی‌دانند.

زمانی که این بیاد خواستگاری من، به جور قطعیت پیدا می‌کنه. خب اون موقع می‌تونم انتظارات جنسیم رو بگم. زمانی که تا قبلش بگم یا اون بگه، ذهنیتمون عوض می‌شه. تا به جایی من می‌گم ... خیلی مهمه از نظر جنسی با هم می‌چ باشیم ... نه، چون برای من تو زندگی، رابطه جنسی اولویت اول نیست، به این اعتقادی ندارم که باید قبل از ازدواج رابطه جنسی باشه (میترا).

نه، مخالفم. اگه بخوای دینی نگاه کنی که کلاً این قضیه اشکال داره. اگه بخوای عرفی نگاه کنی، تعریف شده نیست. اگه بخوای از نظر سلامتی هم نگاه کنی، انواع و اقسام بیماری داره ... چطور می‌تونند اون عمل رو انجام بدن؟ خب نمی‌تونند درباره اش حرف بزنند؟! بهترین راه شناخت جنسی اینه که قبل از دواج درباره خواسته‌هاشون با هم صحبت کنند (خاطره). کاملاً مخالفم؛ چون دو طرف از هم زده می‌شند. به جورهایی دیدم دوستانی که داشتیم و ازشون سوءاستفاده شده و طرف دیگه نخواسته. کلاً فکر می‌کنم درست نیست (مریم).

۱۲-۲. افرادی که با رابطه جنسی پیش از ازدواج مخالف نیستند.

در حد شناخت خوبه؛ نه تا این حدی که بکارتت رو از بین بیره. در حدی که بشناسیش، که بدونی می تونی بفهمی گرمه یا نه؟ آیا می تونه انتظاراتت رو برآورده کنه؟ عاطفه و محبت تو سکس برای من خیلی مهمه. باید بدونم می تونه این رو به من منتقل کنه (معصومه). من اعتقاد ندارم دو نفر که همدیگه رو برای ازدواج می خوانند، مجبورند تا لحظه ازدواج صبر کنند؛ بعد سکس داشته باشند (زهره).

داده های کمی به دست آمده درباره نگرش به رابطه جنسی پیش از ازدواج نشان می دهد بیشتر افراد با آن مخالف اند. دلیل این مخالفت نیز این است که معمولاً در چنین رابطه هایی خانم ها دچار آسیب می شوند.

۱۳. نگرش درباره بکارت: دیدگاه های افراد در این مورد را می توان به سه دسته تقسیم کرد: کسانی که به حفظ آن معتقدند؛ کسانی که به حفظ آن اعتقاد ندارند؛ کسانی که آن را وسیله ایجاد نابرابری می دانند.

۱ - ۱۳. کسانی که به حفظ آن اعتقاد دارند به دو دسته تقسیم می شوند:

الف) کسانی که آن را معیار ارزش گذاری نمی دانند و معتقدند به ناچار و به خاطر دیدگاه هایی که در جامعه وجود دارد، باید حفظ کرد.

برای ما هم اهمیت نداشته باشه، واسه طرف خیلی مهمه ... خب ممکنه بگه طرف بده باشه ... و دیگه نخواد به زندگی ادامه بده. من هم معتقدم آدم باید قبل ازدواج سکس کامل داشته باشه؛ ولی خب حرف های بعدش چی؟ (معصومه).

ب) عده ای نیز آن را معیاری برای ارزش گذاری قلمداد می کنند.

اعتقاد دارم که باید باشه. وقتی کسی باهات ازدواج می کنه، می فهمه که تا حالا هیچ رابطه جنسی نداشتی. به نظرم براش یه ارزشه و دیگه که شاید خیلی از کیس های من بفهمند من بکارت ندارم، با من ازدواج نکنند؛ چون من به کیس های مذهبی فکر می کنم. به هر حال بین کسانی که بکارتشون رو حفظ کردند، نسبت به کسانی که حرمت نگه نداشتند، یه مرتبه بالاتری قرار داره (فهیمه).

۲ - ۱۳. کسانی که به حفظ آن اعتقاد ندارند.

من اعتقادی بهش ندارم؛ چون مسئله مذهبییه ... روال خودم رو می رم؛ به روال بقیه هم احترام می گذارم (زهره).

به نظر من خیلی بیخوده. تو وضعیت الان که سن ازدواج این قدر رفته بالا، در نظر بگیرد یه دختر ۲۸، ۲۹، ۳۰ ساله که شرایط ازدواج براش فراهم نیست، به خاطر این قضیه نمی تونه نیاز جنسیش رو برطرف کنه. اگر هم بخواد و نتونه تحمل کنه، چیکار باید بکنه؟ (تبسم).

به نظر من چیز خیلی پوچیه؛ چون داریم به عینه می بینیم. من هم تو محیطی (دانشگاه) دارم کار می کنم که می بینم دختر و پسرها چه کارهایی دارند با هم انجام می دهند ... من به کسی می گم باکره که هیچ رابطه ای با هیچ کسی نداشته باشه. وقتی کسی می خواد لمسش کنه، اون احساس براش تازگی داشته باشه. الان تو جامعه ما متأسفانه این یعنی بکارت (میترا).

۳-۱۳. کسانی که آن را وسیله ایجاد نابرابری می دانند.

توی فرهنگ ما باید موقع ازدواج باشه ... اینکه طرف موقع ازدواج بکارت داشته باشه، دلیل نمی شه رابطه جنسی نداشته. نمی شه گفت که این کسی که بکارت داره، آدم خوبیئه. شرایط نابرابر ایجاد می شه (پریسا).

نمی دونم خدا چرا این رو واسه خانمها گذاشته؟! به چه درد می خوره؟ کاش لااقل واسه آقایون هم قرار می داد تا ما این قدر احساس تبعیض بهمون دست نده (رؤیا).

دلایل و علت های گرایش دختران به سبک زندگی مستقل از خانواده

گرایش دختران مجرد به زندگی مستقل در جامعه ایران، علت ها و دلایل گوناگونی دارد. بر اساس داده های جدول شماره ۱ بیشترین عامل جدایی افراد از خانواده و روی آوردن به زندگی مستقل، کمبود امکان اشتغال در شهر محل زندگی آنان است. براین اساس می توان عامل میزان بر خورداری از امکانات شغلی را در گرایش به زندگی مستقل، مؤثر دانست. بر اساس نتایج پژوهش، این عامل بیشترین نقش را در این زمینه داشته است. پس از آن، استقلال طلبی، دخالت دیگران در زندگی و وجود اختلافات خانوادگی در رتبه های بعدی قرار دارند.

جدول شماره ۱۰: توزیع فراوانی و درصدی علت های گرایش به زندگی مستقل در دختران مستقل

در بخش کمی

درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۹/۲	۸/۹	۸	دخالت دیگران در امور زندگی ام
۵۸/۶	۵۶/۷	۵۱	نبود امکان اشتغال در شهر خودم
۴/۶	۴/۴	۴	وجود اختلافات خانوادگی
۱۳/۸	۱۳/۳	۱۲	استقلال طلبی
۱۳/۸	۱۳/۳	۱۲	سایر موارد

بر اساس بررسی کیفی و نتایج مصاحبه، دلایل و علت های گرایش به زندگی مستقل را می توان به چهار دسته کلی ذیل تقسیم کرد:

۱. استقلال طلبی

دلیل خاصی نداشته یا به خاطر به اتفاق خاص نبوده. به این دلیل بود که اعتقاد داشتیم؛ یعنی از

سن‌های پایین، این رو درست می‌دونستم که دلیل نداره چه خانم، چه آقا، اگر ازدواج نمی‌کنه، باید همیشه تو خانواده زیر سقف پدر و مادرش باشه (زهره).

۲. جو نامساعد خانوادگی

جو نامساعد در خانواده سبب ایجاد فاصله شدید میان پدر و مادر و فرزند شده است. یک سالم که بود پدر و مادرم از هم جدا شدند ... چهار سالم بود مادرم دوباره ازدواج کرد. ... بعد از به دنیا اومدن برادرم، فاصله بیشتری بین من و مامانم ایجاد شد (تسم).

در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «فرد به آزادی عمل نیاز دارد و در محیط زندگی خانوادگی یا فامیل، این شرایط را برای خود فراهم نمی‌بیند».

چون ما دخترها خب تو خانواده‌هامون خیلی مسئله داریم. حالا خانواده من خیلی سنتی نبودند؛ ولی فامیلم سنتی بودند. من الان ۲۷ سالمه. شاید کمتر پیش بیاد دختری تو این سن مجرد باشه. از طرف دیگه نمی‌تونیم نظرات پدر و مادرامون رو تحمل کنیم ... خانواده پوششم رو نمی‌پسند. شاید از نظر خودم یه چیز نرم و کاملاً معمولیه و خانواده اون رو قبول نمی‌کنه و از طرفی هم حاضر نبودم تو این چیزها کوتاه بیام (معصومه).

۳. کمبود امکانات

برخی به سبب نبود امکان اشتغال و کسب درآمد مناسب، به شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند و دور از خانواده زندگی می‌کنند.

چون اونجا حقوقش خیلی کمه. شهر خودمون که نداره و من باید مسافت طولانی رو طی کنم، برم خود همدان. خب این چه کاریه؟ (خاطره).

۴. اشتغال در سازمان‌های دولتی

اشتغال رسمی و دور از شهر محل سکونت خانواده برای دو گروه وجود دارد:

الف) کسانی که ناراضی هستند و ترجیح می‌دهند در شهر خود و کنار خانواده زندگی کنند. خیلی سخته اینکه مجبوری از خانواده دور باشی (زهره).

ب) کسانی که از اینکه می‌توانند مستقل از خانواده زندگی کنند، خرسندند؛ ولی ترجیح می‌دهند حداقل در شهر خود و نزدیک خانواده به زندگی مستقل بپردازند و از حمایت خانواده در حل مشکلات برخوردار باشند.

من حاضر بودم توی مشهد یک زندگی مستقل داشته باشم؛ ولی نزدیک خانوادم باشم. هر زمانی که دچار مشکلی می‌شم، یه نفر هستش که پشتیبانم باشه (پریسا).

وقتی از افراد پرسیده شد اگر امکانات دلخواهتان در خانه پدری برای شما فراهم شود، آیا حاضرید بازگردید و در کنار خانواده زندگی کنید، بیش از نیمی از آنان پاسخ مثبت

دادند. ۲۴/۷ درصد نظری نداشتند؛ چنان که گویا برای آنان تفاوتی ندارد و ۱۸/۸ درصد گفتند مخالف بازگشت به خانه هستند و زندگی به شیوه‌ای که برگزیده‌اند را ترجیح می‌دهند.

دخترانی که با آنان مصاحبه شد، به جز یک نفر (زهرا) که در استخدام دولت بود و به زندگی مستقل از خانواده ناچار شده بود، بقیه - بلااستثنا - گفتند ترجیح می‌دهند مستقل از خانواده زندگی کنند و بعضی حاضر نبودند با خانواده زندگی کنند و زندگی مستقل از خانواده را ترجیح می‌دادند.

فکر نمی‌کنم. چیزی که از خودم فهمیدم، شناخت شخصیتی که از خودم پیدا کردم اینه که فوق‌العاده استقلال‌طلبم؛ یعنی از درون شاید این خیلی تأثیر گذاشته به نسبت آدم‌های دور و برم (زهرا).

نه، آره این شرایط رو ترجیح می‌دم؛ چون خودمم و خودم (معصومه).

۷۱/۳ درصد پاسخ‌گویان، زمانی که در خانه پدری خود زندگی می‌کرده‌اند، اتاق شخصی داشته‌اند. این یافته می‌تواند فرضیه‌ای که کمبود فضای کافی و نداشتن فضای شخصی در خانواده، مزید بر علت گرایش فرد به زندگی مستقل از خانواده است را رد کند؛ بلکه برعکس، به نظر می‌رسد دخترانی که در شرایط زندگی با خانواده، فضای مستقلی در اختیار داشته‌اند، بهتر می‌توانند برای ایجاد یک زندگی مستقل تصمیم‌گیری و اقدام کنند. از این بررسی به دست آمد که بیشترین علت گرایش به زندگی مستقل، کمبود امکان اشتغال در شهر محل زندگی و سپس استقلال‌طلبی است.

همچنین در پاسخ به این پرسش که «اکنون که مستقل از خانواده زندگی می‌کنید، آیا جایگاه شما در خانه پدریتان (هرچه متعلق به شما بوده) محفوظ است؟» ۹۰/۵ درصد مصاحبه‌شوندگان، پاسخ مثبت داده‌اند که این مقوله، درخور تأمل و بررسی است. می‌توان نتیجه گرفت که یا خانواده‌ها و حتی خود افراد، این استقلال را موقتی می‌پندارند یا خانواده‌ها نظارت خود را بر زندگی فرزندان حذب نکرده و راه را برای رفت و آمد او باز گذاشته‌اند و این گونه مانع قطع شدن رابطه فرزند خود با خانواده می‌شوند. بنابراین در صورت ایجاد شرایط، امکان ساختاری بازگشت دختران به خانواده‌هایشان وجود دارد.

در پایان می‌توان گفت میان متغیرهای مؤثر بر انتخاب سبک زندگی نیز تأثیر و تأثر متقابلی وجود دارد. بر اساس این مطالعه، زمینه‌های مؤثر بر گزینش سبک زندگی مستقل افراد، چهار عامل «استقلال‌طلبی»، «اختلافات خانوادگی»، «کمبود امکان اشتغال» و «وضعیت شغلی یا اجبار

شغلی» دانسته شد. در تکمیل این بحث می‌توانیم عوامل مؤثر در برگزیدن زندگی مستقل از خانواده را به عوامل فردی و جمعی دسته‌بندی کنیم. استقلال‌طلبی یک عامل فردی است که خاستگاه آن، خواسته‌ها و نیازهای خود فرد است؛ ولی موارد دیگر، عواملی بیرونی هستند که از سوی خانواده و اجتماع، فرد را در وضعیتی قرار می‌دهند که این نوع زندگی را بر می‌گزیند. در ادامه توضیح بیشتری در این زمینه داده شده است.

رابطه معناداری میان پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده و علت‌های برگزیدن انتخاب زندگی مستقل وجود دارد (با توجه به نتیجه آزمون همبستگی اتا $(\text{Eta}=0/535)$) می‌توان گفت پایگاه اقتصادی و اجتماعی بر انتخاب سبک زندگی مستقل مؤثر است. همچنین مقایسه میانگین‌های این رابطه با بهره‌گیری از آزمون «t» نشان می‌دهد میانگین پایگاه اقتصادی و اجتماعی افرادی که با علت‌های فردی به زندگی مستقل روی آورده‌اند، بالاتر از علت‌های بیرونی است.

جدول شماره ۱۱: مقایسه میانگین‌ها در رابطه پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده فرد با علت‌های گزینش سبک زندگی مستقل

		تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین
علت‌های گرایش به زندگی مستقل	بیرونی	۷	۷/۱۴۲۹	۲/۳۴۰۱۳	۰/۸۴۴۸
	فردی	۳	۹/۳۳۳۳	۱/۱۵۴۷۰	۰/۶۶۶۶۷

رابطه‌ای معنادار میان اعتقادات دینی و علت‌های انتخاب زندگی مستقل وجود دارد. در رابطه با علت‌های گرایش به زندگی مستقل و تأثیر اعتقادات دینی فرد، با توجه به نتیجه آزمون اتا $(\text{Eta}=0/580)$ می‌توان گفت میان علت‌های گزینش سبک زندگی مستقل و دینداری، همبستگی متوسط رو به بالا وجود دارد؛ ولی مقایسه میانگین‌های این رابطه با استفاده از آزمون «t»، نشان می‌دهد بین میانگین میزان اعتقادات دینی افرادی که با علت‌های بیرونی (غیرشخصی و غیرارادی) به زندگی مستقل روی آورده‌اند، تفاوت چندانی با کسانی که با علت‌های فردی مستقل شده‌اند، وجود ندارد.

جدول شماره ۱۲: مقایسه میانگین‌ها در رابطه دینداری فرد با علت‌های گزینش سبک زندگی مستقل

		تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین
علت‌های گرایش به زندگی مستقل	فردی	۱۶	۱۴	۱/۳۱۶۵۶	۰/۳۲۹۱۴
	بیرونی	۶۴	۱۴/۷۳۴۴	۱/۳۹۴۳۴	۰/۱۷۴۲۹

سن: در رابطه گرایش به زندگی مستقل با سن فرد، با توجه به نتیجه آزمون همبستگی اتا $(\text{Eta}=0/587)$ می‌توان اظهار داشت علت‌های گزینش سبک زندگی مستقل و سن،

همبستگی متوسط رو به بالایی دارند.

بین میانگین سنی افرادی که با علت‌های فردی به زندگی مستقل روی آورده‌اند با کسانی که با علت‌های بیرونی، زندگی مستقل را برگزیده‌اند، تفاوت معناداری وجود دارد. مقایسه میانگین‌های این رابطه با استفاده از آزمون «t» نشان می‌دهد میانگین سن افرادی که با علت‌های فردی به زندگی مستقل روی آورده‌اند به اندازه حدود یک سال بیشتر از کسانی است که با علت‌های بیرونی، مستقل شده‌اند.

جدول شماره ۱۳: مقایسه میانگین‌ها در رابطه سن فرد با علل گزینش سبک زندگی مستقل

خطای استاندارد میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	علت‌های گرایش به زندگی مستقل	
				فردی	بیرونی
۱/۳۶۴۳۶	۵/۷۸۸۴۸	۲۸/۲۷۷۸	۱۸	فردی	
۰/۴۹۲۶۷	۴/۰۰۲۴۵	۲۸/۶۳۶۴	۶۶	بیرونی	

همچنین بین میانگین پایگاه اقتصادی اجتماعی افرادی که با علت‌های فردی به زندگی مستقل روی آورده‌اند با افرادی که با علت‌های بیرونی، زندگی مستقل را برگزیده‌اند، تفاوت معناداری وجود دارد. مقایسه میانگین‌های این رابطه با استفاده از آزمون «t» نشان می‌دهد میانگین سطح پایگاه اقتصادی و اجتماعی افرادی که با علت‌های فردی به زندگی مستقل روی آورده‌اند، پایین‌تر از کسانی است که با علت‌های بیرونی مستقل شده‌اند.

جدول شماره ۱۴: مقایسه میانگین‌ها در رابطه پایگاه اقتصادی و اجتماعی فرد با علل گزینش سبک زندگی مستقل

خطای استاندارد میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	ابعاد علت‌های گرایش به زندگی مستقل	
				فردی	بیرونی
۰/۱۷۹۵۱	۰/۵۶۷۶۵	۳/۹	۱۰	فردی	
۰/۰۹۹۹۴	۰/۵۹۱۲۵	۴/۰۵۷۱	۳۵	بیرونی	

منطقه استانی مورد مهاجرت: برای بررسی رابطه میان استان محل سکونت اصلی و علت‌های فردی یا غیرفردی گرایش به زندگی مستقل دختران، از جدول توافقی بهره برده‌ایم که نتایج در جدول شماره ۱۴ درج شده است.

جدول شماره ۱۵: جدول توافقی علت‌های گرایش به زندگی مستقل با منطقه استانی مورد مهاجرت

استان مورد مهاجرت	ابعاد علت‌های گرایش به زندگی مستقل		کل
	بیرونی	فردی	
شمال	٪۳۱/۱	٪۱۶/۷	٪۲۷/۸
شمال شرق	٪۱/۶	٪۰	٪۱/۳

شمال غرب	٪۱/۶	٪۵/۶	٪۲/۵
استان‌های مرکزی	٪۹/۸	٪۲۷/۸	٪۱۳/۹
جنوب	٪۲۴/۶	٪۱۶/۷	٪۲۲/۸
غرب	٪۲۹/۵	٪۱۱/۱	٪۲۵/۳
تهران	٪۱/۶	٪۲۲/۲	٪۶/۳
کل	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰

داده‌های به‌دست آمده، بیانگر آن است که در استان‌های مرکزی کشور و تهران و شمال غرب، علت‌های ارادی فردی، تأثیر بیشتری داشته؛ در حالی که این عوامل در استان‌های شمال شرق هیچ تأثیری نداشته و در استان‌های دیگر (شمال، جنوب و ...) در مجموع، عوامل بیرونی، بیشترین تأثیر را در گرایش به زندگی مستقل داشته است؛ یعنی کمبود امکانات اشتغال در شهر محل زندگی، اختلافات خانوادگی و ... به مهاجرت و روی آوردن دختران مجرد به زندگی مستقل انجامیده است.

همچنین بررسی ما نشان می‌دهد در شهرهای مرکزی استان‌ها، علت‌های فردی همچون استقلال‌طلبی، تأثیر بیشتری بر انتخاب نوع زندگی مستقل نسبت به علت‌های بیرونی اجتماعی یا خانوادگی داشته است. در میان کسانی که از شهرهایی غیر از شهرهای مرکزی مهاجرت کرده‌اند، علت‌های بیرونی اجتماعی یا خانوادگی مؤثرتر بوده است.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد دختران مجرد مستقل - به دلیل اینکه به‌تنهایی و مستقل از اعضای خانواده زندگی می‌کنند - دچار تعدد و تضاد نقش بیشتری در مقایسه با زنان و دختران دیگر نیستند. آنان آزادی عمل بیشتری در رفتارها و انتخاب‌های خود در زندگی دارند و انتظار می‌رود در انجام کارهایی که سبک زندگی‌شان را شکل می‌دهد، متفاوت‌تر عمل کنند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دختران ساکن در خانه‌های مستقل به نسبت دختران ساکن در پانسیون‌ها - در ترتیب دادن فعالیت‌های روزانه خود - آزادانه‌تر عمل می‌کنند. در بررسی سبک تغذیه نیز مشاهده شد دخترانی که در پانسیون زندگی می‌کنند، در انتخاب نوع مواد غذایی و تهیه غذای مورد علاقه خود با محدودیت‌های بسیاری همچون کمبود فضا و امکانات به نسبت دختران ساکن در منازل شخصی روبه‌رو هستند. البته معلوم شد این دختران به نسبت خانه‌پدری خود، در این زمینه از آزادی عمل بیشتری در انتخاب‌های خود برخوردار هستند.

در مبحث مدیریت بدن و توجه به ظاهر، نکته درخور توجه و درنگ، پرداختن به مقوله حجاب و به کار بردن پوشش مناسب و به دور از جلب توجه است؛ به ویژه در میان دخترانی که به طور عام اعتقادی به حفظ حجاب ندارند و ناراحتی خود را از دخالت خانواده در گزینش نوع پوشش خود بیان کرده‌اند. این دختران، اکنون که در وضعیت خاص زندگی مستقل از خانواده قرار دارند، به رعایت حفظ حجاب و فاصله گرفتن از جلب توجه نامحرم، بیشتر گرایش دارند؛ آن هم برای حفظ امنیت و پاسداری از عفت خویش؛ بنابراین می‌توان گفت حجاب برای بخشی از این افراد، کارکرد امنیتی دارد.

در مبحث ارتباطات به طوری که مشاهده شد، بیشتر افراد رابطه نسبتاً خوبی با خانواده خود دارند و معمولاً جایگاه آنان به عنوان جزئی از خانواده، محفوظ است. این امر، بیانگر این است که خانواده‌ها نظارت و حمایت خود را به طور کامل از زندگی دخترانشان برنداشته‌اند. این موضوع حمایت اجتماعی مناسبی را برای افراد فراهم می‌کند تا در صورت ضرورت از آن بهره‌مند شوند. چه بسا لازم است برای آن بخش از خانواده‌هایی که نظارت خود را کم‌رنگ یا قطع کرده‌اند، بازگشتی به این امر صورت بگیرد؛ چراکه بنا بر اظهار خود این افراد، هنوز نگرش گروه‌های دیگر جامعه، امنیت و در معرض سوءاستفاده قرار گرفتن، از مهم‌ترین مسائل زندگی آنان به شمار می‌آید که در سایه حمایت و نظارت خانواده‌ها، حل‌شدنی است.

در مجموع در خصوص سبک زندگی مستقل دختران به چهار دسته رسیدیم که تحت عنوان «استقلال‌طلبی»، «جو نامساعد خانوادگی»، «کمبود امکانات» و «اشتغال در سازمان‌های دولتی و اجبار ناشی از آن» نام‌گذاری شده‌اند. این دسته‌بندی‌ها را می‌توان تحت لوای دو دسته کلی‌تر، یعنی انگیزه‌های فردی - ارادی و عوامل بیرونی - اجتماعی تقسیم کرد. ما بر اساس این دسته‌بندی، زمینه‌هایی چون پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده فرد، پایگاه اقتصادی و اجتماعی خود فرد، دینداری فرد، سن و منطقه مورد مهاجرت را عوامل مؤثر در انتخاب سبک زندگی دختران مجرد مستقل دانستیم.

در این میان رابطه پایگاه اقتصادی و اجتماعی فرد و گرایش به زندگی مستقل، همبستگی اندکی دارد و به نظر می‌رسد تأثیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی فرد در ارتباط با متغیرهای اجتماعی دیگری همچون منطقه سکونت، جنسیت و دینداری درخور بررسی باشد.

یافته‌های این پژوهش، دیدگاه وبر و بوردیو مبنی بر تأثیر مجموعه شرایط زندگی مانند

سن، قومیت، منطقه محل سکونت و طبقه، بر شانس‌های زندگی و از سویی بر جامعه‌پذیری و در نتیجه بر انتخاب‌های زندگی را تأیید می‌کند. همچنین می‌توان گفت با وجود شرایط بیرونی و عینی مؤثر بر انتخاب زندگی مستقل از خانواده، نوعی گزینش‌گری و انتخاب نیز وجود دارد؛ انتخابی که الزامات ساختاری مانند اشتغال زنان، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و بالا رفتن سن ازدواج بر آن مؤثرند.

جدول شماره ۱۶: مشخصات افراد مورد تحقیق در بخش مطالعه کیفی دختران مجرد مستقل

ردیف	نام	رشته تحصیلی	تحصیلات و رشته تحصیلی	شغل	سن	درآمد	مدت استقلال	علت استقلال	محل سکونت	تحصیلات پدر	تحصیلات مادر	شغل پدر	شغل مادر	درآمد خانواده	محل سکونت خانواده	تعداد فرزندان - محل سکونت خانواده	فرزند چندم
۱	زهرا	میترا	لیسانس کامپیوتر	غیر رسمی	۲۹	۷۰-۵۰۰	۳	اشتغال	تهران	هی سواد	هی سواد	کارگر	خانه‌دار	کارگری	تهران	۴	۴
۲	سپهر	معمومه	لیسانس آمار	غیر رسمی	۲۷	۲۵۰	۲/۸	آزادی	تهران	لیسانس	لیسانس	خانهدار	خانهدار	متوسط	تهران	۴	۱
۳	فاطمه	رویا	فوق لیسانس علوم تربیتی	غیر رسمی	۳۳	۴۵۰	۰/۳	آزادی	تهران	لیسانس	لیسانس	خانهدار	خانهدار	متوسط	تهران	۴	۴
۴	سپهر	میترا	لیسانس کامپیوتر	غیر رسمی	۲۹	۷۰-۵۰۰	۳	اشتغال	تهران	هی سواد	هی سواد	کارگر	خانه‌دار	کارگری	تهران	۴	۴
۵	فاطمه	معمومه	لیسانس آمار	غیر رسمی	۲۷	۲۵۰	۲/۸	آزادی	تهران	لیسانس	لیسانس	خانهدار	خانهدار	متوسط	تهران	۴	۱
۶	فاطمه	رویا	فوق لیسانس علوم تربیتی	غیر رسمی	۳۳	۴۵۰	۰/۳	آزادی	تهران	لیسانس	لیسانس	خانهدار	خانهدار	متوسط	تهران	۴	۴
۷	سپهر	میترا	لیسانس کامپیوتر	غیر رسمی	۲۹	۷۰-۵۰۰	۳	اشتغال	تهران	هی سواد	هی سواد	کارگر	خانه‌دار	کارگری	تهران	۴	۴
۸	سپهر	میترا	لیسانس کامپیوتر	غیر رسمی	۲۹	۷۰-۵۰۰	۳	اشتغال	تهران	هی سواد	هی سواد	کارگر	خانه‌دار	کارگری	تهران	۴	۴
۹	سپهر	میترا	لیسانس کامپیوتر	غیر رسمی	۲۹	۷۰-۵۰۰	۳	اشتغال	تهران	هی سواد	هی سواد	کارگر	خانه‌دار	کارگری	تهران	۴	۴
۱۰	سپهر	میترا	لیسانس کامپیوتر	غیر رسمی	۲۹	۷۰-۵۰۰	۳	اشتغال	تهران	هی سواد	هی سواد	کارگر	خانه‌دار	کارگری	تهران	۴	۴

۱	۳	۱	۱	۳
۵	۶	۳	۳	۳
مشهد	مشهد	مشهد	مشهد	مشهد
متوسط	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط
خانه‌دار	خانه‌دار	فوت شده (نامادری خانه‌دار)	خانه‌دار	خانه‌دار
کشاورز	نظامی بازنشسته	کارگر بازنشسته دولتی	معلم	کارمند بانک، فوت شده
بی‌سواد	ابتدایی	ابتدایی	دینیم	سیکل
بی‌سواد	سوم راهنمایی	ابتدایی	فوق لیسانس	فوق دیپلم
فیض آباد	فیض آباد	تربت جیدریه	تهران و رباط کریم	تهران
اجبار شغلی	اجبار شغلی	اجبار شغلی	تحصیل ۱	پیشرفت
۷	۵	۶	۱۰	۳
بالای یک میلیون	۸۰۰	۷۰۰	توسط خانواده تأمین می‌شود	یک میلیون
۴۰	۷۸	۳۴	۲۴	۳۲
رسمی	رسمی	رسمی	دانشجو	غیر رسمی
دکترای پزشکی	لیسانس بهداشت	لیسانس بهداشت	فوق لیسانس حقوق	فوق لیسانس زمین شناسی
زهرا	س می‌را	پزیسا	فهیبه	مریم
۲	۱	۴	>	<

۱. این فرد به علت وضعیت شغلی پدرش که در روستا خدمت می‌کرده، به‌ناچار بیشتر دوران زندگی خود را در مدرسه‌های شبانه‌روزی و به دور از خانواده سپری کرده است؛ به همین دلیل به گفته خود دیگر نمی‌تواند در کنار خانواده زندگی کند و تصمیم دارد تا زمان ازدواج به زندگی به دور از خانواده ادامه دهد.

منابع و مآخذ

۱. باکاک، رابر؛ مصرف؛ ترجمه خسرو صبری؛ [بی جا]: انتشارات شیرازه، ۱۳۸۱.
۲. توسلی، غلامرضا؛ نظری‌های جامعه‌شناسی؛ ج ۴، تهران: سمت، ۱۳۷۳.
۳. چاوشیان، حسن؛ «سبک زندگی و هویت اجتماعی: مصرف و انتخاب‌های ذوقی به عنوان تمایز و تشابه اجتماعی در دوره مدرنیته متأخر» (رساله دکترا)؛ دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
۴. خواجه‌نوری، بیژن و علی روحانی و سمیه هاشمی؛ سبک زندگی و مدیریت بدن، فصلنامه زن و جامعه، سال دوم، شماره ۴، صفحه: ۴۸-۲۱؛ ۱۳۸۹.
۵. ذکایی، محمدسعید؛ فراغت، مصرف و جامعه؛ تهران: انتشارات تیسرا، ۱۳۹۱
۶. فاضلی، محمدصادق؛ مصرف و سبک زندگی؛ قم: صبح صادق، ۱۳۸۲.
۷. مجدی، علی‌اکبر؛ بررسی سبک زندگی جوانان (۱۵ - ۲۹ ساله) ساکن شهر مشهد؛ رساله دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی؛ ۱۳۸۹.
۸. مهدوی کنی، محمدسعید؛ دین و سبک زندگی؛ تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۷.
۹. _____؛ «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»؛ فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۶، صفحه: ۲۳۰-۱۹۹.
۱۰. هندری، ل. بی و دیگران؛ اوقات فراغت و سبک‌های زندگی جوانان؛ ترجمه فرامرز ککولی دزفولی و مرتضی ملانظر؛ سازمان ملی جوانان، تهران: نسل سوم، ۱۳۸۳.
۱۱. رضویزاده، نورالدین. ۱۳۸۶. بررسی تاثیر مصرف رسانه ها بر سبک زندگی ساکنان تهران (پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات: تهران).
12. Cockerham, W, 1995. Medical Sociology, prentice Hall Englewood cliffs.
13. Cockerham W, 2005. Health Lifestyle Theory and the Convergence of Agency and Structure, Journal of Health and Social Behavior 2005, Vol 46 (March): 51-67
14. Featherston, M. (1991) , Consumer Culture and Postmodernism, London: Sage publications
15. Bourdieu, P. (1984). Distinction. London: Routledge and Kegan Paul.
16. <http://www.mszd.net/different/1302-standard-gahani-iran-esraf.html>
17. <http://www.shafaf.ir/fa/news/51456>
18. <http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1151954>
19. D Wynne. 1990. Leisure, lifestyle and the construction of social position